

IL GÜN

ایل گون

No. 13 March 2000

سال چهارم - شماره ۱۲ اسفند ۱۳۷۸

| Garaşsyz türkmen neşriýesi

| نشریه مستقل ترکمن



آغاز بهار در ترکمنصحرا

فهرست مطالب :

- ۲ نگاهی به انتخابات مجلس
- ۵ پاسخ به مطالبات ملی و فرهنگی ترکمن ها...
- ۸ خودمختاری فقط برای کردستان !
- ۱۰ انتخابات مجلس در مناطق ملی کشور
- ۱۱ نیازوف رئیس جمهور مادام العمر ترکمنستان
- ۱۲ یادواره درگذشت دکتر مأمی شیر جعفریای
- ۱۴ هزاره سوم میلادی ، امیدها و تحولات
- ۱۶ مسئله ملی در ایران، یک دید و دو نگاه
- ۱۸ بیاد دو جنگ تحمیلی ترکمن صحرا در گنبد
- ۱۹ کاشکی همواره دستیابی به دمکراسی مثل هوا آسان بود
- ۲۵ اخبار

نگاهی به انتخابات مجلس ششم

بعد از ماهها کشاکش بین دو جناح حاکمیت، انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ برگزار گردید. نتیجه این انتخابات معیار و سنجشی برای تغییر و تحولات بسیاری در جامعه ایران بود.

پس از دوم خرداد، ۱۳۷۶، انتخاب خاتمی بعنوان رئیس جبهه‌پور، راست‌ها، ولی فقیه و روحانیت محافظه‌کار و بازاریان سنتی، بطور روز افزونی تحت فشار سیاسی و اجتماعی مردم ایران خاصه جوانان و زنان قرار گرفتند. ولی با این حال آنها با تمام امکانات موجود خود از جلسه دادگاه مطبوعات، دادگاه ویژه روحانیت، مجلس شورای اسلامی در مقابل خواسته‌های مردم مقاومت کرده و روزنامه‌های مخالف خود را تعطیل و برخی روحانیون که سلطه انحصاری ولی فقیه و یارانش را قبول نداشتند به زندان افکندند.

آنها نمی‌توانستند به آزادی مردم و شرکت و نقش فعال آنها در اداره تمامی امور جامعه تن دهند. در قاموس آنها مردم در حکم افراد نابالغی هستند که آگاهی از سود و ضرر خود را ندارند و روحانیت اعظم و در رأس آنها ولی فقیه می‌بایستی که مردم را به راه راست هدایت نمایند.

مردم ایران و خاصه روشنفکران جامعه با بیش از صد سال سابقه مبارزاتی برای دموکراسی و عدالت اجتماعی و بعد از بیست و یکسال تحمل این شرایط خفقان راه برون رفت می‌جویند. هر قتل و هر تعطیلی روزنامه از جانب راستگرایان جهت خفه کردن صدای اعتراض مردم به ضد خود تبدیل شد. آنها بدون توجه به افکار عمومی و بدون توجه به خواسته‌های مردم برای کشایش در وضعیت سیاسی اجتماعی در فکر توطئه بر علیه مردم بودند. در منطق آنها

حکومت یعنی خفقان، دیکتاتوری و ترور. مقاومت مردم آنها را هرچه بیشتر در بحران فرو می‌برد.

شکاف درون حکومتی تحت تأثیر این جنبش رو به گسترش مردم بیشتر می‌شد. محافظه کاران با نزدیکی انتخابات با استفاده از امکانات خود جهت محدود کردن حق انتخاب مردم بپیر حیلہ ای متوسل شدند. جناح مقابل نیز با استفاده از امکانات مطبوعاتی خود وعده جامعه ای بهتر، گسترش فضای سیاسی را داده و کارنامه دوره های قبل بخصوص دوره ریاست رفسنجانی را به نقد کشیدند.

این انتخابات در اصل رقابت بین دو جناح حکومتی بود. جناح راست که خود چهره مقبولی در بین مردم نداشت دست بدامان رفسنجانی شد که قافله را بخصوص در انتخابات مجلس بیش از این از دست ندهد. رفسنجانی نیز شروط بسیاری را در مقابل آنها گذاشت. مجلس برای او استثناء قابل شد که وی بدون استعفاء از مقام ریاست سجع تشخیص مصلحت نظام خود را کاندید نماید، حجت الاسلام عبدالله نوری را که رقیب اصلی وی می‌پنداشتند توسط دادگاه ویژه روحانیت به زندان افکنده شد که نتواند در انتخابات شرکت کند و جهت محبوبیت و رأی بیشتر کرباسچی را بنا به خواست وی از زندان آزاد کردند.

رفسنجانی که مقامی کستر از ریاست مجلس برای خود قابل نبود با دبدبه و کبکبه وارد کارزار انتخاباتی شد. اما این ورود رفسنجانی بعنوان نایبده جناح راست، علیرغم اینکه خود را مستقل می‌نامید، موثر واقع نیفتاد. وی بعنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی و بعنوان کسی که بدت ۱۶ سال از کرداندگان

اصلی رژیم بود در انتخابات در حوزه تهران با اخذ ۲۵۸۵۸ درصد آراء در رده سی ام، بعنوان نایبده آخر، قرار گرفت. اخذ ۲۵ درصد آراء حداقل نصاب برای ورود به مجلس بود. رفسنجانی که جهت نجات محافظه کاران به میدان آمده بود خود بپهرا محافظه کاران بازنده اصلی این انتخابات بود. فانزه هاشمی که در تبلیغات خود از هر امکانی و هر فرصتی جهت دفاع از پدر خود برآمده بود بپهرا وی تا رده ۵۸ در تهران سقوط کرد در حالی که وی در انتخابات مجلس پنجم نفر دوم تهران بود.

نتیجه انتخابات نشان می‌دهد که هدف اصلی مردم نفی کرداندگان اصلی رژیم بود. قبل از انتخابات در بین مردم در ایران صحبت میشد که در وحله اول چه کسانی نبایستی انتخاب شوند. کسانی که میبایستی انتخاب شوند در رده دوم اهمیت قرار می‌گرفتند. این امر بیشتر از آنجا ناشی میشد که این انتخابات دمکراتیک نبود. بسیاری از نمایندگان واقعی نمی‌توانستند خود را کاندید کنند و بخشا که نتوانستند کاندید شوند نتوانستند از صافی هیئت نظارت یا شورای نگهبان بگذرند.

برندگان انتخابات نیروهای دوم خرداد بودند و از آن میان نیز کسانی بودند که تاکنون نقش‌های کلیدی در اداره امور مملکت نداشتند و برخا چهره‌های شناخته شده ای نیز نبودند. از جمله نفرات اول تهران محمد رضا خاتمی، جمیله کدیور و علیرضا نوری که تا چند ماه پیش در صحنه فعالیت سیاسی ایران حضور گسترده ای نداشتند.

برنده اصلی این انتخابات مردم بودند. با اینکه این انتخابات برای مردم در واقع حق انتخاب

نگاهی به انتخابات ...

بین دو جناح حکومتی بود ولی با اینحال مردم از این فرصت استفاده کرده و با شرکت فعال خود در این انتخابات که درصد آن بیش از انتخابات دوم خرداد بود، در مقابل حکومت بخصوص جناح راست آن قدرت نمایی کرده و آنرا به بحران بیشتری فرو بردند. آنها نشان دادند که در حیات سیاسی اجتماعی جامعه بعنوان نیروی مستقلی وارد عمل شده اند که دیگر نمیتوان از آنها فاکتور گرفت.

آقای علی ربیعی مشاور رئیس جمهور و مسنول دبیرخانه شورای امنیت ملی در سخنرانی خود در مینودشت گفت "تتایج نظرسنجی ها تکان دهنده بود و جمهوری اسلامی در شناساندن ارزشهای انقلاب به نسل جدید موفق نبوده است." وی همچنین گفت که موقعیت روحانیت مرجع در بین نسل جدید سقوط کرده است.

آقای ربیعی درک نمی کند و یا نمیخواهد درک کند که مردم در ۲۱ سال گذشته بخوبی ارزشهای انقلاب جمهوری اسلامی را شناخته اند و به این خاطر است که از هر فرصتی و از هر امکانی جهت اعلام رد آن استفاده می کنند. این ارزشهای انقلاب پاسخگویی شرایط امروزی جامعه ما نیستند و مردم آنها را بدور خواهند ریخت. همچنین لازم بیادآوری است که در میان نمایندگان منتخب تعداد روحانیون نسبت به دوره های قبل بسیار کم است.

در دور اول انتخابات نیروهای دوم خرداد بیش از هفتاد درصد کرسی های مجلس را به خود اختصاص دادند. آقای خاتمی، رئیس جمهور، و نیروهای وابسته به او دلیل اصلی عدم انجام وعده های داده شده را کارشکنی مجلس می دانستند. هم اینک آنها مجلس را در اختیار خود گرفته اند. اکنون باید در عمل دید که

شعارهای دوم خردادها فقط برای قبضه قدرت از جناح مقابل بوده و یا اینکه تحولاتی را در سطح جامعه ایران پدید خواهند آورد. البته این پیروزی اصلاح طلبان به معنی پایان درگیریهای جناح ها نخواهد بود. شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، خود ولی فقیه و دهها ارکانهای قدرت دیگر که منابع اقتصادی گسترده ای در دست دارند هنوز در اختیار محافظه کاران است. این درگیریها در سطحی دیگر ادامه خواهد یافت. حضور و گسترش نیروی مستقل مردم در روند تغییرات جامعه بسیار موثر و تعیین کننده خواهد بود. نیروهای دوم خردادی اگر که واقعا به نیروی مردم اعتقاد داشته باشند بایستی که زمینه های حضور آنها را در جامعه با وضع قوانینی تثبیت کنند. بایستی که زمینه های ایجاد تشکلهای مردم بصورت جمعیتها و یا احزاب، بغیر از احزاب موجود که از بالا شکل گرفته اند، صورت قانونی پذیرد. اکنون آنها می توانند در راه ساماندهی اجتماعی سیاسی جامعه و رفع محدودیتهایی که توسط مجلس پیشین بوجود آمده اقدام نمایند. آنها می توانند که قتللهای سیاسی انجام گرفته را پیکیری نموده و عاملان آنها را معرفی کنند بطوریکه زمینه های تکرار آن از بین بروند. آنها بایستی وضعیت فلاکت بار اقتصادی جامعه را سامان دهند. محمدرضا خاتمی، برادر رئیس جمهور، که بیشترین رأی را در تهران آورده می گوید "احقاق حقوق ملت و تضمین حقوق مردم و... تعمیق توسعه سیاسی و آزادیهای مدنی در رأس برنامه ها خواهد بود." اینکه حقوق ملت و مردم از دیدگاه آنها چیست بایستی که در عمل دید. نیروهای دوم خرداد و در رأس آنها خود رئیس جمهور تاکنون در رابطه با ستمهای ملی که بر ملتهای غیرحاکم روا میروند موضع مشخصی نگرفته اند. این معضل در جامعه چند ملیتی ما آنچنان بزرگ است که نمی تواند

براحتی از آن بگذرند. نیروهای دوم خردادی مجبور خواهند بود به آن نیز پردازند. مردم با رأی خود این نیروها را وارد میدان کردند. اگر آنها نیز به آنچه وعده داده اند عمل نکنند، مردم از طریقی دیگر دست رد به سینه آنها خواهند زد. اگر آقای خاتمی و مجلس جدید بخواهند خواست های مردم را، بخصوص در مناطق ملی که تحت بیشترین فشارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار دارند، در چارچوبهای محدود تفکرات خود قرار داده و از اصلاحات واقعی به بهانه های مختلف سرباز زنند، اشتباه بزرگی را مرتکب خواهند شد.

در ترکمن صحرا نیز انتخابات با شرکت گسترده مردم صورت گرفت. لازم بیاد آوری است، همانطور که قبلا نیز در "ایل کون" نوشتیم، جهت شکستن آراء مردم ترکمن شهرها و مناطق ترکمن نشین را در حوزه های رأی گیری مناطق فارس نشین همجوار تقسیم کردند بطوریکه به غیر از کنبه که این سیاست انجام نکرده و نمیتوانست انجام گیرد، ترکمن ها نمی توانند اکثریت آراء را کسب کنند.

در منطقه بندر ترکمن، کردکوی و بندرکز آقای عظیم گل از روشنفکران ترکمن انتخاب کردید. از آنجاییکه وی در لیست کاندیداهای جبهه دوم خرداد قرار داشت بسیاری از طرفداران دوم خرداد در مناطق غیر ترکمن نشین نیز به او رأی دادند. در آق قلعه که در حوزه انتخاباتی گرگان جای داده شده بود کاندیداهای ترکمن رأی نیاوردند و آقای قندهاری بعنوان کاندید دوم خردادها رأی آورد. در کنبه کاندید دوم خردادها، آقای بشارتی فر، نتوانست رأی بیاورد ولی دو

پاسخ به مطالبات ملی و

فرهنگی ترکمنها از کدام

راه و با کدام وسیله ؟

(قسمت سوم)

باید یادآوری بنمایم که در شماره قبل از قول ویل دورانت محقق تاریخ عمر قدیمی ترین تمدن بشری در آسیا و آنهم در ترکستان شرقی به مرکزیت انو به جای (شصت قرن ق . م .) اشتباها شش قرن قبل از میلاد درج گردیده است. این اشتباه من صرفاً قلمی می باشد .

لیبرالیسم و بازتاب آن در

عصر کنونی

مقدمه :

انسانها در پرداختن به طبیعت بیرونی و به ویژه در برداشت و شکل قضاوت در مورد جامعه انسانی و تاریخ و شکل تحولات و حرکت آن از جهان بینی و ایده نولوژی های مختلفی پیروی می کنند . در میان انسانها از هر رنگ و از هر نوع تعلقات طبقاتی و گروهی نمی توان انسانی را تجسم نمود که فاقد نوعی جهان بینی و ایده نولوژی باشد . جهانبینی ویژه انسانها در ارتباط با تربیت خانوادگی شکل می گیرد و سپس تحت تأثیر اجتماع و به ویژه همراه با آموزشهای مدرسه و محیط کار و در جریان زندگی روزمره کاملتر می گردد .

آنچه که گفتش الزامی می باشد این است که خود جهانبینی نیز در مسیر تداوم تاریخ بشری و به همراه تکامل علم و تجارب انسانی کاملتر گردیده و ایده نولوژی های نوینی از آن نشأت گرفته و به صورت مکاتب مدرن و جامع تری در آمده است . امروزه مکاتبی چون سوسیالیسم ، اندیویدالیسم ، رئالیسم و سوررئالیسم از مکتهای شناخته شده ای هستند که از

جهانبینی های ایده آلیستی (اصالت ایده) یا ماتریالیستی (اصالت ماده) نشأت گرفته اند . برخی از این ایده نولوژیها در جنگهای ملی و طبقاتی و در مبارزه بین نو و کهنه و یا به دیگر سخن در مبارزه بین عدالت خواهان و سرکوبگران در خدمت ارتجاع قرار گرفته اند و برخی دیگر نیز در خدمت نیروهای آزادیخواه و مترقی .

لیبرالیسم در تعریف ومعانی

لیبرالیسم یا اعتدال و میانه روی نکرشی است سیاسی که در آن آزادی انسان در مرکز توجه قرار می گیرد . مفهوم آزادی در لیبرالیسم دو حالت مختلف دارد . یکی آزادی از هر نوع زورگویی و سرکوب و دیگری آزادی اندیشه و داشتن رأی یکسان برای همه شهروندان .

آزادی سیاسی از دیدگاه مکتب لیبرالیستی به این مفهوم است که انسان از هر نوع فشار و سانسور آزاد است و کسی را نمیتوان به دلیل داشتن عقاید سیاسی مورد فشار و بازخواست قرار داد . داشتن رأی یکسان از دیدگاه لیبرالیسم به این مفهوم است که آنها بدون دغدغه خاطر و بدون آنکه فشاری را از جانبی احساس بکنند حق انتخاب کار و حرفه و حق داشتن مسکن و محل زندگی خود را خواهند داشت .

از دیدگاه مکتب لیبرالیستی هم مصرف کنندگان حق انتخاب و خرید هر نوع کالا و سرویسی را دارند و هم اینکه تولید کنندگان آزاد هستند تا هر نوع شرکتی را راه اندازی بنمایند و هم اینکه هر نوع کالای مورد دلخواه خود را برای جامعه

تولید بنمایند .

لیبرالیسم در کردونه تاریخ

لیبرالیسم در آغاز حرکتی بود بر علیه اقتدار و حاکم سالاری کنسرتا و هم بر علیه پادشاهان و استقها . همچنین حرکتی بود بر علیه قدرتهای درنی که از جانب اعیان و اشراف هدایت میشده اند . در این مکتب بر برابری همه انسانها در مقابل قانون تأکید می شود و به این خاطر نیز لیبرالیسم با هر نوع برتری طلبی و زورمداری سر ستر دارد .

برای نخستین بار در قرن هجدهم در انگلستان و با قیام کرامون بر علیه استبداد نظام پادشاهی این طرز اندیشه به عنوان یک دستکاه فکری جدی و دگرگون کننده مطرح می گردد و سپس در شکل تکامل یافته تری در قرن هجدهم و در جریان انقلاب کبیر فرانسه در جهت براندازی استبداد و برپایی نظامی عادلانه و دمکراتیک از جانب انقلابیون فرانسوی به کار گرفته میشود . انقلاب صنعتی انگلستان در قرن هجدهم باعث باروری و تکامل این اندیشه می گردد و وزن و ارزش ویژه ای بر آن میبخشد طوری که دیگر دمکراسی و عدالت طلبی به ایده و آرزویی غیرقابل انکار تبدیل میگردد .

البته باید قید شود که لیبرالیسم و ملی گرایی در اقتصاد پروسه ای هماهنگ دارند و در جریان تکامل خود بر همدیگر تأثیرات متقابل داشته اند .

بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

پاسخ به مطالبات ...

در واقع در قرن نوزدهم بود که ایده لیبرالیسم به شکل گسترده تری مطرح میگردد و جریانانات لیبرالیستی در کنار همدیگر به جنبشهای آزادیبخش ملی فرا می رویند و لیبرالیسم نقش تاریخسازی را در جهت بهبود ساختار اجتماعی و تعدیل طبقات اجتماعی ایفا می نماید .

مضمون و پیام اصلی لیبرالیسم در این دوره این بوده است: اشرافیت و سروری اعیان و نجبا را برانداز و سلطه دیرینه کلیسا را در هم شکن آنوقت شکوفایی و خلاقیت انسان را در جامعه خواهی دید .

لیبرالیسم در راستای تکامل تولید صنعتی بر کاهش اقتدار و کنترل دولت و انحصار سرمایه تأکید نموده و هر گونه گمرک و مالیات بندی بر کالاها و در شکل کلاسیک آن را سد راه تکامل و رشد اقتصاد اجتماعی عنوان می نماید .

لازم است بدانیم که تأکید بر آزادی بی حد و حصر سرمایه عملاً اقشار و طبقات محروم اجتماع را در معرض نابودی قرار داده بود و بنابر این پیروان لیبرالیسم به جناحهای فکری مختلف تقسیم میشوند و به موازات گسترش تفکرات سوسیالیستی که آزادی سرمایه را آزادی بهره کشی و استثمار اعلام می کرد در بین مدافعین لیبرالیسم نیز نوعی کرایش که ضمناً مدافع تأمین اجتماعی و اعتدال نسبی در جامعه بود شکل میگیرد . طرح حق رأی عمومی و آزادی بیان و اندیشه با استقبال شایان توده ها روبرو گردیده و بر رشد و تکامل جوامع غربی در مسیر اهداف تفکرات لیبرالیستی بیش از پیش تأثیر میگذارد . اکنون و در آخرین دهه قرن نوزدهم میشود گفت که بسیاری از

احزاب سیاسی غربی کم و بیش متأثر از تفکرات لیبرالیستی میباشند و بنیادهای لیبرالیسم را در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی پذیرفته اند . و در این میان و به ویژه در دو دهه اخیر تقریباً تمامی احزاب چپ سنتی غرب یکی پس از دیگری ایده هایی از قبیل دیکتاتوری طبقاتی را از پلاتفرم حزبی خود قیچی کرده اند و آشکارا در مقابل تفکراتی چون لنینیسم و بلانکیسم موضع لیبرالی و دمکراتیک تری را اتخاذ نموده اند .

می شود گفت که خود لیبرالیسم در جوامع غربی به باوری یقینی فرا رویده و جزئی از اعتقادات مردم در آمده است . به این خاطر نیز لیبرالیسم در مقابل جریانانات توتالیته و به ویژه راسیستی به سنگری قابل اطمینانی تبدیل گردیده و نقش بسیاری را در افشاکاری جریانانات غیر دموکراتیک و در اقصای نقاط جهان دارد .

تحولاتی که در اروپای شرقی صورت پذیرفت و بویژه جریان دمکراتیزه گردیدن این جوامع که در ادامه خود به فروپاشی ابر قدرت شرق منجر گردید خود از نتایج مستقیم تفکر لیبرالیسم می باشد .

لیبرالیسم یعنی دمکراسی و آزادی اجتماعی

درست در قرن هجدهم بود که دیدگاه لیبرالیستی در عرصه اقتصاد با نیازهای میرم سیاسی - اجتماعی توأم میگردد و برای جوابگویی به این معضل طرح حکومت مردم بر مردم به پیش کشیده میشود . یکی از سرسخت ترین طرفداران این گرایش جان استوارت میل میباشد . حکومت مردم بر مردم المنت محکمی بود برای لیبرالها درست همانند راسیونالیسم برای یک اندیوید .

در یک جامعه لیبرالی از یک طرف این آدمها هستند که بطور مشترک و جمعی تصمیم می گیرند و رأی آنان شرط تداوم دمکراسی و قدرت می باشد و از طرفی باز همین آدمها هستند که جمعا و در کنار همدیگر با اطاعت از قانون و مقررات مصوبه و از آن خود به زندگی اجتماعی منظم و قانونمند محتوای و مفهوم میبخشند .

به همان میزان که آدمها در مسائل اجتماعی نقش دارند و در رأی گیریها مشارکت میورزند به همان میزان نیز نقطه نظرات آنها به کار گرفته میشود و جامعه انسانی در مسیری درست تر و تکاملی تر هدایت می شود . یکی از پیشروان این تفکر لیبرالی ارنست بارکر انگلیسی ۱۹۴۰-۱۸۷۴ می باشد .

بنا به شیوه نکرش لیبرالیستی مذکور مراجعه به رفتارند عمومی از مختصات و اصول بدیهی یک جامعه می باشد همچنین حق نشر و قلم و اظهار نظر و حق شرکت در ارکانهای قدرت از ارکان اصلی تفکرات لیبرالی میباشد و آدمها بطور آزادانه درباره حکومت و سمتگیریهای سیاسی آن تصمیم می گیرند .

در آخرین دهه قرن نوزدهم یعنی در همین دهه حاضر لیبرالیسم باعث هرچه بیشتر مستقر گردیدن اهرم های سیاسی قدرت در کشورهای اروپایی گردیده و میشود گفت که به بخشی از فرهنگ و اعتقادات مردم تبدیل گردیده است .

لیبرالیسم برداشتی کاملاً رئالیستی از پدیده حرکت اجتماعی دارد و بنا بر این با هر نوع جبرگرایی یا دترمنیسم سر ستیز دارد و معتقد می باشد که خود این انسانها هستند که بنا به رأی و بقیه در صفحه

ادامه از صفحه

پاسخ به مطالبات ...

نظر و همت خود سرنوشت خود را تغییر میدهند. اطاعت مطلق و تولی از کتب الهی و یا دستنویسهای قدیم و از آن آدمهای سابق از دیدگاه لیبرالیستی بی مورد میباشد. لیبرالیسم بر ماتریالیسم تاریخی و بر هر نوع برداشت مارکسیستی از آن نیز نه میکويد.

کارل پوپر یکی از شاخص ترین چهره های لیبرالیستی است که در این راستا مقام شامخ دارد. لیبرالیسم بطور کلی با هر نوع از حکومت های دیکتاتوری و استبدادی چه از نوع کودتاهای نظامی و چه از نوع دیکتاتوریهای مذهبی یا کمونیستی سر ستیز دارد.

یکی از مهمترین بخش تفکر لیبرالیستی مربوط به انترناسیونالیسم میباشد و لیبرالیسم اعتقاد دارد که علیرغم تعلقات اقلیمی و جغرافیایی کوناگون و تفاوت های اثنیکی و فرهنگی و نژادی مختلف هیچ مرزی مابین انسانها نمیتواند موجود باشد و بنا بر این اعتقاد دارد که تمام کره خاکی و در کلیت خود به همه انسانها متعلق میباشد! و بنا بر این لیبرالیسم و انترناسیونالیسم واقعی سر آشتی دارند و به این خاطر است که آزادی مبادلات کالاها و برداشتن مرزها و گمرکها از ارکان لیبرالیسم میباشد.

بنا به لیبرالیسم انسانها از هر قوم و نژاد برابر حقوق میباشند و همه آنان بطور مشترک و مساوی حق حیات و تکامل دارند و بنا بر این قومی بزرگتر هرگز حق اسیمیله کردن و محو قومی دیگر را ندارد و بدین خاطر نیز لیبرالیسم درست در نقطه مقابل شونیسیم و راسیسم و نژادپرستی قرار میگيرد و صد در صد از حقوق پایمال شده اقلیتهای ملی و مذهبی در برابر ملت حاکم

دفاع مینماید.

در نوشته مذکور مختصری درباره لیبرالیسم اشارت رفت و اما بحث مربوط بر متدلوژی برخورد با مسئله ملی به قوت خود باقیست و سعی خواهد شد تا در شماره بعدی ایل کون این بحث پیکیری شود.

ادامه دارد.....

گوگی

ادامه از صفحه ۹

خودمختاری فقط ...

متأسفانه در اثر سیاست امتیازدهی جمهوری اسلامی در مقابل خواستهای ملت کرد، حزب دمکرات کردستان از یکسو تلاش می کند خود را از ملتهای تحت ستم دیگر دور سازد و از سویی دیگر با زیر پا گذاشتن برخی شعارها و خواستهای خود در راستای نزدیکی به "هم نژادان" خود و احزاب سیاسی آنها کام بردارد.

مسئله ترکمن ها از دستیابی هرگونه امتیاز توسط ملت کرد خوشحال می شوند و آنرا يك دستاورد نه فقط برای آنها بلکه برای مجموعه جنبشهای ملی در ایران می دانند. ولی این ناپیستی باعث تفرقه در بین جنبش های ملی و یا دوری جنبش ملی کرد از سایر جنبش های مردمی و مترقی در ایران باشد. اگر این سیاست نادرست پیش برده شود نمی تواند دورنمای خوبی برای جنبش های ملی و جنبش برای دمکراسی در ایران داشته باشد.

سیاست عدم همکاری و سکوت در قبال دیگر جریانهای ملی متعلق به ترک ها ، بلوچ ها، عرب ها و ترکمن ها در ایران نه تنها به نفع دمکراسی در ایران نیست بلکه در ادامه به نفع جنبش ملی ملت کرد نیز نخواهد بود.

منراد

بقیه از صفحه ۴

نگاهی به انتخابات ...

کاندید دیگر ترکمن، آقایان اترک طیار و مامی هلاکو، به دور دوم راه یافتند. این نتیجه انتخابات در کنبد میتواند دلایل متفاوتی داشته باشد. بی تفاوتی و بی اعتمادی ترکمن ها در کنبد به هر دو جناح حکومتی بخشی از دلائل این وضعیت است. هرچند که ترکمن ها در شهر کنبد نیز در انتخابات ریاست جمهوری فعلا نه از خاتمی در مقابل کاندیدای ولایت فقیه حمایت کرده بودند ولی اکنون مسئله انتخاب يك نماینده ترکمن بود که حداقل بتواند نظرات آنها را نمایندگی کند.

آقای خاتمی که تاکنون همیشه از قانونیت و اجرای قانون اساسی صحبت کرده می بایستی که اصل ۱۵ قانون اساسی را که در رابطه با تدریس زبانهای مناطق ملی در مدارس و استفاده در رادیو و تلویزیون منطقه و داشتن نشریات بزبان محلی است، را اجرا کند. نمایندگان ترکمن نیز می بایستی بطور فعال حقوق و منافع ملی ملت خود را در نظر داشته و اجرای اصل ۱۵ را نیز طلب کنند و هم اینکه جهت لغو قانون تقسیم بندی حوزه های انتخاباتی مناطق ترکمن نشین که دقیقاً بر علیه ترکمن ها است اقدام کنند.

این ها حداقل معیار سنجش برای رئیس جمهور، رئیس قوه مجریه، که هم اکنون یاران وی کنترل مجلس را هم در اختیار گرفته اند و همچنین برای نمایندگان منتخب در مناطق ملی خواهد بود.

منراد

خود مختاری فقط برای کردستان !

اخیرا دبیر کل حزب دمکرات کردستان آقای عبدالله حسن زاده در مصاحبه ای با روزنامه عربی "الزمان" که در نشریه "کردستان شماره ۲۷۸ نیز بچاپ رسیده به برخی اظهارنظرهایی پرداخته که نشان از تغییرات در سیاستها و استراتژی این حزب دارد. وی در چارچوب نظرات جدید خود به جنبشهای سایر ملل ساکن ایران نیز پرداخته است. ما این بخش از سخنان وی را در این مصاحبه مورد بررسی خلاصه قرار می دهیم.

آقای حسن زاده در پاسخ پرسشی می گوید " از آنجاییکه خلقهای تحت ستم دیگر ایران، در حال حاضر پیگیرانه خواستار حقوق ملی خویش نمی باشند و متأسفانه حضور قابل توجهی نیز در عرصه مبارزه ندارند، خواستار آیم که مساله کرد به شیوه خودمختاری در چارچوب یک ایران دمکراتیک حل و فصل گردد."

وی تلاش می کند نشان دهد که در ایران فقط کردها خواستار خودمختاری هستند و ملیتهای دیگر خواستار حقوق ملی خود نیستند در نتیجه در ایران فقط به کردها میتوان خود مختاری داد و بس. این بیان یک اشاره ضمنی به جمهوری اسلامی است که حل مسئله ملی در ایران یعنی دادن خودمختاری به کردها و بقیه مهم نیستند. این یعنی نیز تأیید سیاست برخی نیروهای اپوزیسیون از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران که در برنامه های خود خودمختاری را فقط برای کردها قائل هستند.

جهت درک بهتر این تغییر سیاست حزب دمکرات کردستان، که توسط آقای حسن زاده بیان می گردد، آخرین سخنان دکتر قاسملو را در دیدارش با عاملان رژیم جمهوری اسلامی که با شلیک گلوله به زندگی این شخصیت بزرگ

جنبش ملی پایان دادند بیاد آوریم. دکتر قاسملو به آنها می گوید "باید شجاعت داشت و مسائل داخلی ایران را با اصول و قوانین مشابه برای همه، برای اعراب، بلوچ ها، ترکمن ها و کردها حل گردد. اگر امروز نتوانیم این مشکلات را حل کنیم در آینده برای مملکت بلایی خواهد شد."

دبیر کل کنونی حزب دمکرات سعی می کند با این سخنان سیاستهای حزب در راستای نزدیکی به جمهوری اسلامی و حاکمیت ملت فارس، ملتی که تمامی امکانات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران در انحصار آنهاست توجیه کند. وقتی خیرنگار "الزمان" سوال می کند که "اقلیتهای ملی ایران شما را متهم می کنند که شما به دلیل رابطه دوستانه ای که با فارسها دارید با آنها همکاری نمی کنید؟" جواب آقای حسن زاده بسیار تعجب آور است. وی در پاسخ می گوید "... بدیهی است که کردها و فارسها از یک نژاد هستند و در میان دو ملت پاره ای علاق نژادی وجود دارد که مثلا میان دو ملت کرد و آذری وجود ندارد."

تأکید از ما است
طرح مسئله نژادی همیشه عواقب وخیمی برای جامعه بشریت داشته است. این طرح هم نژادی با ملت فارس و بخصوص با توجه به اینکه برخی عناصر شوونیست پان ایرانیست (پان فارسیست)، حتی در میان سازمانهای چپ با تاریخ و تبلیغات دروغین و گاهاه تهوع آور افسانه نژاد برتر آریا را شاخ و برگ می دهند، نمی تواند نشانه های خوبی برای جنبش ملی ایران و حتی خود کردها که تاکنون بطور مداوم تحت سرکوب نمایندگان سیاسی نظامی این ملت قرار داشته اند باشد. در ضمن آقای حسن زاده

بخوبی میداند که تنورسین های نژادی همین هم نژادشان معتقدند که آذری ها ترک نبوده و ایرانی اصیل و آریایی هستند و معتقدند که بلوچها نیز آریایی هستند. در این میان فقط ترکمن ها و عرب ها هستند که از این نژادبازی عایدشان نخواهد شد.

بسیار هشدار دهنده است که اگر این طرح "هم نژادی" را در کنار طرح الحاق آذربایجان و گرجستان به "ایران بزرگ" در دومای جمهوری فدراتیو روسیه قرار دهیم و در اینصورت تجسم فجایع منطقه ای آینده چندان دشوار نخواهد بود.

ولی ما معتقدیم که طرح مسئله هم نژادی از جانب دبیرکل حزب دمکرات کردستان مسلما بخاطر تبلیغ این عقیده نیست، بلکه پاسخی است به حاکمیت جمهوری اسلامی و گرفتن برخی امتیازات از آنها که اخیرا هم نژادی کردها و فارسها را مکررا در بلندگوها و ارگانهای تبلیغی خود بیان می کنند.

آقای حسن زاده برای تکمیل این نظریات خود می گوید "بسیار متأسف نیز هستیم که آذربایجان، عربها، بلوچها و ترکمنها ظاهرا فاقد احزاب و سازمانهای سیاسی و خلقی هستند که مبارزه این خلقها را در راستای دستیابی به حقوق ملیشان رهبری نمایند."

این سخنان اولاً جهت تأیید نظریه شان مبنی بر اعطای خودمختاری فقط به ملت کرد بیان می گردد که چون بقیه ملتتهای تحت ستم دارای حزبی مانند حزب دمکرات کردستان نیستند پس فعلاً "دستیابی به حقوق ملی" برای آنها در درجه اول اهمیت قرار ندارد. درثانی آقای دبیرکل حزب دمکرات کردستان بخوبی میداند که مبارزات هر ملت تحت ستم در

خود مختاری فقط ...

ایران در اشکال و مضامین ویژه آن ملت جریان دارد و راه خود را می پیماید. از آنجاییکه هر ملت دارای خصوصیات و ویژگیهای خاص و همچنین دارای سابقه و تاریخ مبارزاتی متفاوتی از ملتهای دیگر است، بنابراین طبیعی است که راه و رسم مبارزه هر کدام نیز با دیگری متفاوت خواهد بود. پس حتما وجود حزبی مانند حزب دمکرات کردستان تنها نشانه "مبارزه برای دستیابی به حقوق ملی" نیست. وجود یک حزب سیاسی شکل کلاسیک پیشبرد مبارزه یک ملت است که شاید هنوز هم برخا بقوت خود خود باقی باشد ولی تنها راه و شکل نیست. اکنون در شرایط امروزی حتی در کردستان بایستی دید که آیا خود حزب دمکرات آن توان و نیروی سیاسی سابق را که از حمایت توده های مردم منتج میشود داراست یا خیر؟ آیا هنوز هم همان نفوذ توده ای بیست سال قبل را دارد؟ که این امر میتواند ناشی از درک شرایط امروزی جهان و ایران و انطباق سیاست و تشکیلات خود باشد، که بتواند خواستها و مبارزات جاری مردم کرد را سازمان دهد. نشانه ها و اطلاعات جواب مثبت قاطعانه به این سؤال نیدهند.

البته ما نیز قبول داریم که وجود یک تشکل سیاسی قوی و توده ای در میان ملت تحت ستم جهت سازماندهی مبارزات آنها نقش مؤثری را ایفا می نماید. تلاش بخشی از نیروهای روشنفکر ترکمن نیز در این راستاست ولی همانطور که گفتیم این تنها راه نیست و نبود حزب به معنی دست کشیدن و عدم مبارزه برای احقاق حقوق ملی نیست. مبارزات ملت ترکمن نیز در داخل و خارج با ویژگیها و با پیچ و خمهای خاص خود پیش میرود و مبارزات ملتهای دیگر نیز همانطور است. هیچکدام پرچم تسلیم را بالا نبرده اند.

آقای حسن زاده در تحلیل از حاکمیت جمهوری اسلامی نیز مجبور به تناقض گویی می گردد. وی میگوید "ما به سهم خود انکار نمی کنیم که در شیوه اداره کشور در ایران تغییراتی صورت گرفته و حداقل در میان سران رژیم گروهی سر بر آورده اند که از استقرار قانون، ایجاد جامعه مدنی، دست کشیدن از خشونت و ارباب علیه دگراندیشان و مسائلی از این قبیل حمایت می نمایند." (تاکید از ما است)

وی با این دیدگاه طرف مذاکره اش را نیز در میان سران رژیم جمهوری اسلامی مشخص می کند اما بخاطر اینکه متهم به سازشکاری با جمهوری اسلامی نکرده چند سطر پایین تر میگوید "شعارهایی که جناح نام نهاد اصلاح طلب، به رهبری آقای خاتمی مطرح می کنند، تقلاهایی پیش نیست که به منظور بزرگ کردن سیمای کریه رژیم کنونی انجام میگردد، با این هدف که رژیم بتواند مدتی بیشتر به تسلط خود ادامه دهد."

کدام حرف آقای حسن زاده را بایستی قبول کرد؟ مگر آن سران رژیم که در شیوه اداره کشور تغییراتی انجام داده و از ایجاد جامعه مدنی و از دگراندیشان حمایت می کنند به غیر از خاتمی است؟ در بین سران رژیم آیا کس دیگری است که از استقرار قانون و دست کشیدن از خشونت حمایت میکند؟ شیوه برخورد آقای حسن زاده نسبت به آقای خاتمی همانند برخورد سازمان مجاهدین خلق ایران است. پس آثانی از سران رژیم که از قانونگرایی، از جامعه مدنی و دوری از خشونت و از دگر اندیشان حمایت می کنند، که مسلما نکات مثبتی هستند، چه کسانی می توانند باشند؟

جناب دبیرکل یک مسئله تنوریک دیگر را نیز مطرح کرده و می گوید "آکیداً بر این باوریم که استقرار یک دمکراسی واقعی در ایران می تواند تأمین کننده حقوق ملی خلق کرد باشد." اگر جمله را بدقت بخوانیم این معنی میدهد که اگر

یک دمکراسی واقعی در ایران برقرار شود می تواند به کردستان خودمختاری بدهد. یعنی اینکه ابتدا بایستی یک دمکراسی واقعی ایجاد شود تا حقوق ملی کرد تأمین شود. بنظر ما طرح قضیه به این شکل عدم درک از شرایط جامعه ایران می باشد. این نیز شبیه آن نظری است که در اغلب سازمانهای چپ ایران، که برخلاف حزب دمکرات کردستان درکی از مسئله ملی ندارند، مطرح می گردد. بطور مثال نگاه کنید به مقاله "بحثی پیرامون متدلوژی..." کار شماره ۲۱۹ که نویسنده مقاله می گوید "امکان حل مسئله ملی ... قبل از همه منوط به برقراری حکومتی دمکراتیک و مردمی در کشور می باشد."

این قضیه بحث جداگانه و مفصلی دارد. فقط بصورت خلاصه میتوان گفت که دمکراسی واقعی یا حکومتی دمکراتیک و مردمی در ایران چه معنی و مفهومی میتواند داشته باشد و دوستان چه درکی از دمکراسی واقعی دارند؟ آیا میتوان دمکراسی واقعی در ایران داشت اما هنوز مسئله ملی که مسئله بیش از نیمی از جمعیت ایران است حل نشده باشد و بخواهد بعد از استقرار این دمکراسی خیالی دوستان توسط رهبران دمکرات حکومت دمکراتیک مردمی به ملیتهای تحت ستم اعطاء شود؟

بنظر ما این دو مسئله دمکراسی و مسئله ملی جدا از هم قابل حل نیستند و همچنین غیرقابل تفکیک می باشند. یک مانع بسیار بزرگ برای دمکراسی در شرایط مشخص جامعه ایران همان وجود ستم ملی است. منوط کردن مسئله ملی به حکومت دمکراتیک و یا ایجاد یک دمکراسی واقعی موهوم در ایران نهایت عدم درک از دمکراسی در جامعه ایران را نیز میرساند. همانطور که گفتیم منوط کردن هر کدام از این دو قضیه به دیگری نمی تواند سیاست درستی باشد.

انتخابات مجلس ششم در مناطق ملی کشور

با پیروزی نمایندگان اصلاح طلب در مجلس ششم انتظار می رود که تغییراتی در برخی از سیاست های جمهوری اسلامی بویژه در قانونگذاری کشور صورت بگیرد. مسلماً ملت های ساکن ایران اوضاع کنونی را به فال نیک خواهند گرفت و هر چند در انتظار معجزه از این مجلس نیستند ولی بالاخره می خواهند به سیاست ستم ملی بر ملت های ساکن ایران پایان بخشده شود، زیرا که دموکراسی و به اصطلاح "جامعه چند صدانی و تکثر معرفتی و اجتماعی" در ایران بدون رعایت حقوق اقلیت های ملی ساکن کشور میسر نیست.

در رابطه با رعایت حقوق اقلیت های ساکن ایران محمد رضا خاتمی برادر رئیس جمهور کشور که بیشترین آراء را در تهران آورده قول رعایت حقوق اقلیت های ایران را داده است. وی می گوید: "تاکنون توجه کافی به برخی مسایل در زمینه حقوق ملت، حقوق اقلیتها، آزادی های مدنی و مطبوعاتی و رسیدگی به جرایم سیاسی نشده و یا اصلاً مسکوت مانده است."

نمایندگان جناح های منتخب برای مجلس مشخصاً به مشکلات اقلیت های ملی اشاره نکردند. مسائل و مشکلات اقلیت های ملی ساکن ایران هنگامی طرح خواهد شد که ملیت های ساکن ایران بتوانند در درازمدت از احزاب مستقل و ملی خود برخوردار باشند. انعکاس خواسته های ملی در انتخابات

مجلس ششم ضعیف بوده است. کاندیداهای مناطق ملی یا وابسته به جناح دوم خرداد هستند و یا وابسته به جناح راستگرا و برخی نیز مستقلاً کاندید شدند.

در رابطه با اقلیت های مذهبی ارمنی های مسیحی دو نماینده، زرتشتیان یک نماینده، کلیمیان یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی نیز یک نماینده به مجلس می فرستند. این امر برای اقلیت های مذهبی امری مثبت است. ولی اقلیت های ملی ساکن ایران حق انتخاب نمایندگان خود را بر اساس کثرت جمعیت ندارند و چنین امری از سوی حکومت مرکزی تحمل نخواهد شد. در خوزستان بنا به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی به اصطلاح تحریکات ناسیونالیستی از سوی کاندیداها انجام گرفته و این روزنامه خواستار مبارزه با آنها شده است. قابل ذکر است که سه تن از نمایندگان عربها در این انتخابات پیروز شدند و بنا به نوشته های مطبوعات داخل کشور "پدیده ملی و عشایری" در این خطه (خوزستان) غالب بوده است.

در شهر تبریز که ۶ نماینده برای مجلس ششم سهمیه بیش از ۱۴۰ نماینده کاندید شدند و به قول یکی از نمایندگان منتخب تبریز "اینبار آذربایجانی ها سیاسی ترین حرکت را انجام دادند."

از کردستان نیز کاندیداها به طرق مختلف تلاش کردند ویژگی ملی را مطرح کنند. یکی از ۴ نماینده کرمانشاه به نام دکتر فتح فرخی پیش از انتخابات گفته بود که مسائل ملی یکی از مسائلی است که در کردستان مطرح بوده است.

ترکمنصحرا

در ترکمنصحرا که جمهوری اسلامی شهر های ترکمن نشین را از لحاظ اداری جزو مناطق فارس نشین قرار داده تا به هر طریقی مانع حضور نمایندگان ترکمن در مجلس ششم شود. نمایندگان ترکمن از شهر آق قلا و اطرافش بایستی با نماینده (فارس) گرگان رقابت می کردند و نهایتاً نماینده گرگان قریباً قندهاری انتخاب شد و دو کاندیدای ترکمن آقای کاظمی و آل جلیل آراء لازم را نیاوردند. کاندیداهای ترکمن شهرستان بندر ترکمن نیز در حوزه انتخاباتی خود بایستی با کاندیداهای دو شهرستان فارس نشین کردکوی و بندرگز رقابت میکردند که با کنار رفتن مهندس بسنجیده کاندیدای دیگر ترکمن در حوزه انتخابیه بندرترکمن، بندرگز و کردکوی توانست آقای عظیم گل با کسب ۴۲۱۹۸ رای از مجموع ۱۱۴۸۲۵ برگه کل آراء حائز اکثریت آراء شد.

بر اساس گزارش مطبوعات محلی از شهرستان گنبد هر دو کاندید ترکمن یعنی اترک طیار با کسب ۲۲۵۹۵ رای از مجموع ۱۲۵۵۱۶ برگه کل رای حائز اکثریت آراء و مامی هلاکو با کسب ۲۲۲۰۸ رای از مجموع کل آراء به مرحله دوم راه یافتند.

در کلاله نیز کاندیدای ترکمن مهندس شیرینی با حسینی به مرحله دوم راه یافتند. نماینده و یا نمایندگان ترکمن در مجلس می توانند در درجه اول به تقسیمات ناعادلانه اداری وزارت کشور اعتراض کنند و از مجلس و وزارت کشور بخواهند که مانعی در تشکیل استان ترکمنصحرا ایجاد نکنند.

نیازاف رئیس جمهور مادام العمر ترکمنستان شد

صفر مراد نیازاف، رئیس جمهور ترکمنستان در اجلاس "خالق ماصلاحاتی" به عنوان رئیس جمهور مادام العمر انتخاب شد.

شورای خالق ماصلاحاتی ترکمنستان نهادی است که از ۲۸۰۰ نماینده و معتمدان محلی، ریش سفیدان، روحانیون، نمایندگان پارلمان، اعضای هیات وزیران و رئیس دیوان عالی اقتصاد، دادستان کل و کلیه مقامات لشکری و کشوری تشکیل شده و هر ساله یک جلسه عمومی برگزار می کند.

اجلاس خالق ماصلاحاتی از رادیو تلویزیون ترکمنستان مستقیم پخش شد. در این اجلاس نمایندگان ترکمن های ۲۰ کشور جهان تحت عنوان "ترکمن های جهان" شرکت کردند پیش از شروع مراسم دو هزار ترکمن با لباس های سنتی، شل های جنکی متعلق به ترکمن های قرن های ۱۶ تا ۱۸ میلادی سوار بر اسب های معروف "آخال تکه" در عشق آباد رژه رفتند. شورای ماصلاحاتی تاکنون هشت نشست داشته و ۴ بار نشان قهرمان ملی به نیازاف اعطا کرده است. برای نهمین اجلاس از چند ماه پیش در نشریات ترکمنستان که کاملاً تحت کنترل دولت چاپ می شوند موضوع تصویب طرحی به بحث گذاشته شد که بر اساس آن صفر مراد نیازاف برای همیشه در سمت ریاست جمهوری ابقا، شود. بنا به گزارش رسانه های جمعی و خبرگزاری های بین المللی

رسانه های گروهی ترکمنستان از پیش برنامه ریزی شده بوده تا زمینه را برای انتخاب نیازاف آماده کند. در برخی از این نشریات مردم ترکمنستان از اقصی نقاط کشور نامه می نوشتند و درخواست می کردند که نیازاف دائم العمر رئیس جمهور باقی بماند. نیازاف در سخنان افتتاحیه خود گفت که موافق طرح این مساله نیست و آماده است تا در سال ۲۰۰۲ میلادی این سمت را به فرد دیگری تحویل دهد. وی گفت که ترکمنستان دوره انتقالی را طی می کند و برای هدایت آن در این دوره سخت به افراد قوی و ورزیده برای پست ریاست جمهوری نیاز است. بر اساس قانون اساسی ترکمنستان نیازاف تنها از طریق انتخابات می تواند یک بار دیگر به ریاست جمهوری این کشور برگزیده شود.

مصوبات دیگر خالق ماصلاحاتی

۱. بر اساس تصمیمات اجلاس خالق ماصلاحاتی از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی کلیه اتباع ترکمنستان موظفند در محیط های اداری از زبان ترکمنی استفاده کنند. این امر بخاطر بکارگیری زبان روسی در ادارت به عنوان زبان رایج بود که پس از هشت سال استقلال ترکمنستان هنوز مثل زمان شوروی سابق به قوت خود باقی است.
۲. یکی دیگر از مصوبات این اجلاس اعلام رایگان بودن گاز، برق و نمک برای مردم ترکمنستان تا ابد است. ۳. استعمال سیگار در ادارات و کارخانجات دولتی ممنوع اعلام شد. و برای متخلفان نیز به عنوان جریمه کسر یک ماه حقوق پیش بینی شده است. ۴. حقوق کارمندان دولت، بازنشستگان و مقرری دانشجویان دو برابر افزایش یافت. ۵. هر ساله از این پس به مناسبت شب های قدر عفو عمومی اعلام شده و برای امسال نیز هفت هزار نفر از زندانیان آزاد شدند. ۶. مجازات اعدام لغو و بجای آن حبس ۲۵ سال مقرر شد.

پذیرفته شده بین المللی

در مراسمی که بمناسبت درگذشت شادروان دکتر مأمی شیر جعفریای از جانب انجمن فرهنگی ترکمن - کلن در این شهر برگزار گردید، آقای دکتر مشیری از دوستان نزدیک و همکار وی سخنانی بیاد آن مرحوم بیان نمودند که ما بخشی از آن را در اینجا می آوریم.

جامی است که عقل، آفرین می زندش
صد بوسه زمهر، بر جبین می زندش
این کوزه گر دهر، چنین جام لطیف
می سازد و باز، بر زمین می زندش

جعفریای متولد سال ۱۹۲۲ میلادی، محل تولدش شهر کنبد، فرزندپولاد آلتی جعفریای و به روایتی از تبار خاندان اشاقه باش از منطقه ترکمنستان بود که نوادگان آنها در شهادت و بی باکی شهرت جهانی داشته اند.

محمد دوره تحصیلات ابتدایی را در کنبد گذراند و از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۲ میلادی مشغول فرا گرفتن علوم پیش دانشگاهی در یکی از دبیرستانهای تهران بود.

او در سال ۱۹۵۴ میلادی، بعد از پایان تعطیلات عید نوروز، عازم آلمان شد و در دانشکده پزشکی دانشگاه Mainz ثبت نام کرد. امتحانات فیزیوم را در نیمه دوم سال ۱۹۵۶ با موفقیت به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی عازم Düsseldorf گشت.

در ۱۹۶۰، ۱۷، ۱۲۵ موفق به دریافت دیپلم در رشته پزشکی شد و در بیمارستانهای مختلف آن شهر به کارآموزی و کارورزی پرداخت. نزدیک به دو سال آسیستان بخش جراحی

بیمارستانهای شهرداری شهر Neu-Ulm و یکسال هم آسیستان بخش جراحی دانشگاه Düsseldorf بود. مدتی نیز در بخش زنان و زایمان بیمارستان Knappschaft شهر Essen کار میکرد.

از اول مارس سال ۱۹۶۲ تا سی ام آوریل سال ۱۹۶۴ در بخش جراحی بیمارستان ماری شهر دوسلدورف و یکسال تمام نیز در بخش جراحی بیمارستان Neu-Ulm سابقه خدمت داشت.

دوره تخصصی جراحی را در بیمارستانهای شهرداری و دانشگاه دوسلدورف به پایان رسانید و بعنوان جراح در بیمارستان خصوصی "گرایف اشتاینر" واقع در شهر Neuss مشغول به کار گشت. از نیمه دوم سال ۱۹۵۸ تا آخر سپتامبر ۱۹۸۸ در شهر Neuss مطب عمومی داشت و سپس مدتی هم تحت عنوان سرپرشک در سناتورپوم شهر Bad - Soden - Allendorf واقع در ناحیه شمال غربی ایالت Hessen کار می کرد.

او بعد از گذار از پستی و بلندیهای زندگی و گسستن هزاران بند غم سرانجام بر اثر عارضه سرطان درگذشت. جهان را وداع گفت و چون از خاک بود دوباره به خاک سپرده شد. او مرتکب گناهی نشده بود، شاید تنها گناهش این بود که در جهانی مسخ شده و در جامعه ای از هم گسیخته و در بین مردمی محروم از حرمت آدمی به دفاع از آدمیت و شرافت انسانی برخاسته بود.

جعفریای عضو فعال سازمانهای دانشجویی پیش از تأسیس کنفدراسیون بود. در همایش های علمی و ادبی و همایش های سیاسی همیشه حضور داشت. در اوایل انقلاب ریاست انجمن ایرانیان دمکرات مقیم آلمان در شهر دوسلدورف را بر عهده داشت و همواره از تمامیت ارضی ایران، آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی برای کلیه مردم بطور یکسان دفاع میکرد.

او همیشه اهل بحث و جدل بود، بویژه در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی. سیاست با خونس

عجین شده و به عقاید خویش بی اندازه پایبند بود. در ابراز عقاید خویش بی پرده سخن می گفت. هرگز بیمی به دل راه نمی داد و از هیچکس هم نمی هراسید.

نور چراغ این مرد نیک سرشت، صافدل و پاک نهاد به خاموشی گرایید و ما امروز هنوز فریادهای شکوه آمیزش را با کوش هوش می شنویم. او همه کس و همه چیز را در وهله نخست زیبا می دید و در جوهر وجود هر انسانی جوهر پاکش را می جست، خوبیهایش را برجسته می کرد و از زشتی هایش با اشاره ای کوتاه در می گذشت.

او فرق بین زندگی و زندگانی را هم یافته بود. با زندگانی موافق بود و از زنده ماندن جان به هر شکل دفاع می کرد زیرا به وجود جهان دیگری باور نداشت لیکن زندگی به هر قیمتی را نمی پذیرفت. وی می گفت اگر زندگی انسانها بخواهد به بهای از دست دادن شرافت، انسانیت، آزادی و عدالت اجتماعی ادامه یابد، مرگ صدها بار از آن زندگی زیباتر است.

دوستان محمد خدمات و محبت های او را از یاد نمی برند و برایش ارج فراوانی قائل اند.

کامجویان را، زناکامی چشیدن چاره نیست
بر زمستان صبر باید طالب نوروز را

و ما در پایان سخن این رویداد دردناک را به بازماندگانش بویژه به دختر فرزانه و همسر پر حوصله اش، سارا و زبیل، از صمیم قلب تسلیم می گویم و برای آنها صبر و پایداری در برابر جفای سپهر قدار آرزو می کنیم.

جعفریای شرابی از جوهر عشق نوشیده بود، باشد تا قطره ای از آن جوهر بر کام های خشک و دلهای سرد ما ریخته شود.

نام و یادش کرامی باد.



نوشته زیر گوشه هایی از یادواره آقای دکتر نوبری یکی از دوستان مرحوم و یکی از بزرگان "یاشولی" ترکمن های خارج از کشور است:

یادی از یک دوست عزیز در

چهلمین روز درگذشتش

دی شیخ با چراغ می کشت کرد شهر
کز دیو و دد ملو و انسانم آرزوست!

در شب پانزدهم ژانویه سال ۲۰۰۰ یعنی پانزده روز پس از شروع قرن بیست و یکم، باد اجل، گل شکوفای محمد شیر را پرپر کرد و گلبرگ های آن را به عالم دیگر برد. پیکر بی جان او دو هفته بعد از وفاتش از ترکیه (شهر استانبول) به ایران منتقل شد و در قبرستان عمومی شهرستان گنبد قابوس در جوار مزار پدر و مادرش سپرده شد. او حقیقتاً انسانی بود که شیخ با چراغ کرد شهر می گشت و آرزوی دیدارش را داشت... عادت بر این است که در مجالس یاد بود، از متوفی به نیکی یاد می کنند ولی مطمئن هستم که همه دوستانش مثل منند از او، چه وقتی که او در قید حیات بود و چه الآن که از بین ما رفت یعنی همیشه، از او به نیکی یاد کردم و می کنم، زیرا او دوست مورد اطمینان و رونف، انسان پرور و مسکین خاطرها بود... بنده با او در سال ۱۹۴۷ در دبستان قابوس شهر گنبد قابوس آشنا شدم، و در این مدت ۵۲ سال در موارد بسیاری با هم بحث کردیم و ما هیچوقت همدیگر را نرنجاندیم. بعد از بحث و گفتگو باز سر یک سفره می نشستیم و باهم غذا می خوردیم و فکر می کنم ما از

نادر کسانی هستیم که حتی از مسائل خانوادگی یکدیگر بطور کامل خبرداریم. تا سال ۱۳۲۰ در شهر گنبد قابوس یک دبستان پسرانه (قابوس) و یک دبستان دخترانه (آذردخت) و یک دبیرستان سیکل اول (قابوس) بود و دکتر جعفری بعد از اینکه سیکل اول دبیرستان را تمام کرد به شهرستان کرکان رفت و در دانشرای مقدماتی کرکان تحصیل نمود. بعد از آن می بایست به یکی از شهرها و یا قصبات کرکان رفته به شغل معلمی مشغول می شد، ولی او مخارج ۲ ساله دانشرای مقدماتی را پرداخت و عوض اینکه به شغل معلمی بپردازد به آلمان آمد، دو سال بعد وقتی که برای دیدن و بازدید افراد خانواده و دوستانش به ایران آمد گفت: فعلاً زبان آلمانی یاد می گیرم، بعداً در دانشکده پزشکی مشغول تحصیل خواهم شد و بالاخره به ایران برگشته و در ایران خواهم مرد. در آنوقت من به او گفتم: مردن در ایران معرفت نیست، معرفت آنست که در ایران خدمت بکنی!

و او به من جواب داده بود که خدمت به انسانیت در هر کجای دنیا مقبول و مردن در مملکت مقصود است، بدین ترتیب من در همان سال ها فهمیده بودم که او شخصی انسان دوست است. متأسفانه بعضی از باصطلاح دوستان و نزدیکان وی از این حسن نیت و قلب پاک او سوء استفاده نموده و او را رنجانده اند. با این وجود او در باب آنها هیچوقت بد نگفت، چونکه او بشمام معنی پاک سرشت بود. دوست و برادر عزیزمان مرحوم دکتر جعفری خلی دوست داشت که با تاریخ، فرهنگ و فولکلور ترکمن

آشنا شود و دراینمورد تحقیقاتی کرد. از آنجمله مجموعه های از ضرب المثل های ترکمن را می توان نام برد که توسط او در سال ۱۹۷۰ تدوین شده است. او با یکی از برادرهایش اقدام به سیاحت دور دنیا نمود و از اروپا بطرف شرق روانه شده و از غرب به اروپا بازگشت و در مواقع مراجعت به ایران که مصادف با مراسم حج بود به عربستان سعودی رفته و مراسم حج را بجا آورد. گرچه او بعد از فراغ از تحصیل در دانشرای مقدماتی به شغل آموزگاری در دبستان ها مشغول نشد ولی او یک معلم صادق و مهربان در اجتماع بود... او در شهر استانبول ترکیه وفات نمود و دو روز قبل از حرکت به استانبول تلفن کرد و گفت: من بعد از ۱۰-۱۲ روز دیگر به آلمان برمی گردم، آنوقت همدیگر را ببینیم، ولی حیف که او به جایی رفت که راه برگشت ندارد و دیدار ما به قیامت ماند. روح شادباد مانی شیر

هزاره سوم میلادی ، امیدها و تحولات نو

هزاره سوم میلادی شروع شده است. انسانها در این کره خاکی با امید و آرزوی زندگی بهتر و انسانی تر هزاره جدید را آغاز نمودند.

بشریت در قرن گذشته، بخصوص در دهه های اخیر، به پیشرفتهای چشمگیری در عرصه های فنی، اقتصادی و اجتماعی نائل شده است. اطلاعات و دانش فنی مرزهای سیاسی را درنوردیده و تمامی انسانها را در ارتباطی تنگاتنگ با هم قرار داده است. در عرصه سیاسی - اجتماعی دانش و آگاهی مردم گسترش یافته و فعالیتهای گروه های انسانی و نهادها و جمعیتها تأثیر قابل ملاحظه ای در این روند می گذارد. بسیاری از دیکتاتورها در اثر فشار افکار عمومی خودی و یا بین المللی از قدرت به زیر کشیده شده اند. رعایت حقوق بشر در مناسبات بین المللی به یکی از معیارهای در خور توجه تبدیل گردیده است. هر چند این پیشرفتهای در عرصه های کوناگون و در نقاط مختلف جهان یکسان نبوده اما در مجموع روند رو بجلو و مثبت بوده است. در اثر این روند اجتماعی بسیاری از معیارها در معادلات بین المللی نیز تغییر یافته اند و یا در حال تغییرند. زمامدارانی مانند پینوشه دیگر نمی توانند بعد از کشتارها در داخل کشور خود، به صرف داشتن مصونیت دیپلماتیک، آزادانه در کشورهای دیگر بگردند. تحولات و روابط دیپلماتیک سمت و سویی به خود میگیرد که دیگر دیکتاتورها و مستبدان میتوانند مورد پیگرد قضایی بین المللی قرار گیرند. به موازات گسترش و

رشد شعور اجتماعی انسانها عرصه بر حاکمان مستبد تنگ و تنگ تر می گردد. تازه ترین مورد این تحولات جدید دستگیری 'هبره' دیکتاتور پیشین چاد در طی سفرش به کشور سنگال بود که بنا به درخواست یک سازمان دفاع از حقوق بشر صورت گرفت. وی اکنون در انتظار محاکمه اش می باشد. در مناسبات بین المللی نیز در سالهای آخر قرن بیستم تحولات بسیاری رخ داده است. دیگر تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی هر کشوری فقط مسئله داخلی آن کشور نیست، بخصوص وقتی که پای حقوق بشر و حق حیات انسانها در میان باشد. این وضعیت حاصل رشد آگاهی انسانها و تشکیل و گسترش فعالیت نهادها و گروه های غیردولتی بشردوستانه است که سرنوشت انسانها در تمام نقاط دنیا مورد توجه افکار عمومی بین المللی قرار می گیرد و گسترش امکانات فنی ارتباطات بین المللی در خدمت انتقال سریع اخبار و رویدادها به تمام دنیا قرار می گیرد. این روند بخصوص بعد از پایان جنگ سرد به اعتلا نهاده است. در زمان جنگ سرد بنا به وضعیت سیاسی دو قطبی جهانی دیکتاتورها در هر دو قطب جهانی جولان می دادند و دخالت در کوچکترین امور داخلی اجتماعی هر کشوری تابو بوده و ارکانهای بین المللی از جمله سازمان ملل تأکید بر عدم دخالت در امور داخلی هر کشوری بود. به این خاطر هر سرکوب و سیاست نابودی فرهنگی ... اجتماعی و

انسانی گروههای مردمی در داخل کشور از جانب دیکتاتورها به عنوان مسئله داخلی ارزیابی شده و به خاطر عدم دخالت، مستبدان به راحتی سیاستهای سکویکرانه خود را پیش می بردند. اکنون کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد می گوید که سازمان ملل فقط سازمان دولتها نیست بلکه سازمان ملتها، ملتهایی که دارای حکومت نیز نیستند، می باشد. در جلسه سازمان امنیت و همکاری اروپا که چند وقت پیش در آلمان برگزار گردید سران اروپا به توافق رسیدند که مسئله انسانها و ضایع شدن حقوق آنها، یعنی عرصه حقوق بشر، دیگر مسئله داخلی نبوده و بدینصورت حق دخالت در دیگر کشورها در این عرصه مشخص در نظر گرفته شد. هرچند این روند آغاز شده و در کوزوو و تیمور شرقی شاهد آن بودیم ولی تا وقتی که این روند بصورت یکسان و بدون دخالت منافع قدرتهای بزرگ به پیش برده شود راه درازی در پیش خواهد بود. این را نیز بایستی در نظر گرفت که نهادها و سازمانهای غیردولتی در داخل این قدرتهای بزرگ در تأثیر گذاری بر این روند نقش بسیاری دارند. آنها می توانند از طریق افکار عمومی و امکانات مطبوعاتی رژیم های سیاسی خود را تحت فشار بگذارند.

در این روند امید ملتهای تحت ستم، منجمله ملتهای تحت ستم در کشور ما، در دستیابی به حقوق خود روز به روز گسترش می یابد. اکنون دریچه های نوینی

هزاره سوم ...

به سود مبارزات مردم تحت ستم گشوده شده و به موازات آن تارهای عنکبوتی ستمگران می کسلد. البته این روند می تواند اشکال گوناگون داشته باشد. منتهی در این عصر خرد گرایی، انسانها سعی خواهند کرد که مسائل و مشکلات جامعه انسانی بصورت مسالمت آمیز حل و فصل گردد. براستی چرا می بایستی حل برخی مسائل اجتماعی، مانند رفع ستم بر ملتی، با فجایع انسانی مانند کوزوو و تیمور شرقی همراه باشد؟ این نمونه ها بهرحال تجربه های تلخ یک راه حل و لکه ننکی بر دامن دیکتاتورها و حامیان و تئورسین های نژادپرست آنها خواهد بود که با تحمیق توده ها و تقویت تعصبات نژادپرستانه زمینه های این جنایات را فراهم می آورند. محکومیت و تقبیح این جنایات و شکست دیکتاتورها به معنی پایان و عدم تکرار آنها در جامعه جهانی انسانها نخواهد بود. اگر پایان یافته باشد جای بسی خوشحالی است ولی وضعیت موجود نشانگر آن نیست. یکی از این فجایع، جنگ نسل کشی روسها بر علیه چچن ها، در مقابل دیدگان مجامع بین المللی جریان دارد.

ایران نیز جامعه ای چند ملیتی در یک مرز جغرافیایی است. در ایران نیز ملیتهای مختلف تحت ستم ملی بسر می برند. جامعه ایران فعلا دارای شرایط و ویژگیهایی است که آنرا از نمونه های برشمرده متمایز می سازد. اما این جامعه نیز نمی تواند بدون تأثیر از تحولاتی که برشمردیم بماند. در این عصر جدید حاکمیت سیاسی ایران

مجبور خواهد بود تحت تأثیر تحولات داخلی و خارجی، که بدون ارتباط با همدیگر نیستند، سیاستهای خود را در مقابل ملیتهای تحت ستم تغییر دهد. اما اگر بخواهد برخلاف این جریان طی مسیر کند تصور درگیریهای دردناک خالی از واقعیت نخواهد بود.

در عصر دمکراسی و آزادیهای انسانها نمیتوان در ایران انسانهایی در زندگی اجتماعی خود اسیر انسانهایی دیگر باشند ولی این یک واقعیت و یک معضل بزرگ جامعه ما است. در جهت حل این مسئله بایستی که از تمامی امکانات ملی و بین المللی سود جست و استقبال کرد. بدون تأثیر و فشار مجامع بین المللی و بدون فعالیت و خواستهای داخلی برداشتن موانع برابری ملی مشکل خواهد بود.

تلاش می بایستی آن باشد که این معضل جامعه ایران بدون درگیریهای خونین و تلفات جانی و یا حتی مالی، در یک فضایی که شایسته انسان عصر حاضر باشد، در چارچوب خود ایران بین ملتهای ساکن ایران حل گردد. ولی پدید آمدن چنین شرایطی به عوامل داخلی و خارجی بسیار متعددی بستگی دارد. قشر روشنفکر ملت حاکم مسئولیت و وظیفه سنگینی را در این راستا بر عهده دارند

با توجه به وضعیت بین المللی جدید، در این راه نیروهای روشنفکر خارج از کشور متعلق به ملیتهای تحت ستم نقش سزاواری را می توانند ایفا کنند. آنها می بایستی که اهمیت نقش مؤثر خود را درک کنند.

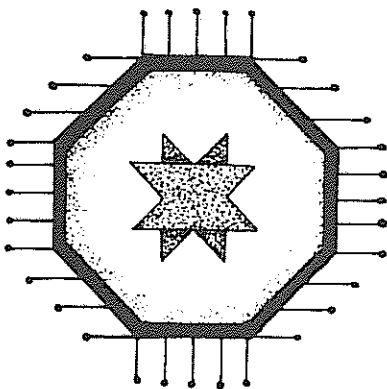
متراد

ارائه از صفحه ۱۷

مسئله ملی

کشور تنها در گرو حل مسئله ملی توسط خود ملل ساکن این کشورها بوده و میباشد. ناباوری به اراده و خواستهای ملل گوناگون ساکن کشور راهی جز تنش های ناهنجار اجتماعی، هدر رفتن نیروهای اجتماعی و نیروهای مادی و معنوی نداشته است. چه آنانیکه در حکومت جمهوری اسلامی طرفدار "گفتگوی تمدنها" هستند چه آنانیکه که بیرون از چارچوب حکومت جمهوری اسلامیند، در درجه نخست باید خود را از چنگال "یک فرهنگی" رها نموده و پذیرای "چند فرهنگی" گردند. پذیرش چند گونه گی خود قدمی خواهد شد، اساس گامهای بعدی، در چگونگی "بودن" و پویای این چند گونه گی.

یاز



مسئله ملی در ایران،

یک دید و دو نگاه

حکومت چندین دهه ملت فارس بر سایر ملل ایران تاثیرات عمیقی را در تمام عرصه های زندگی، ساخت و شکل گیری شعور اجتماعی، جهان بینی و شیوه آنالیز روابط اجتماعی بر جای گذاشته است. تفکر یگانگی ملی و یگانه فرهنگی و به موازات آن تنگ نمودن عرصه بر نمودهای فرهنگی دیگرگونه، در طی زمان، مرگ تدریجی و یا تحلیل زبان، آداب و رسوم ملل دیگر در فرهنگ و زبان ملت حاکم را با خود آورده است. این سیستم فکری در طی سالهای متمادی بوسیله آموزش سیستماتیک و پایه ای شکل گرفته است. در ایران آموزش از مرحله ابتدائی تا عالی بزبان فارسی بوده و در کتب تاریخ - جغرافیا و جامعه شناسی سیستم آموزش کشوری اشاره ای به تاریخ، آداب و رسوم، گذشته و حال ملل ساکن ایران نشده و نمیشود. احزاب، سازمانهای سیاسی و روشنفکران ایرانی هم متاسفانه دچار این عارضه گشته اند. آنها نتوانسته اند بادرکتگیری و تحولات جهانی قدم مثبتی در جهت حل مسئله و یا به عبارتی یگر

طرح مسئله بردارند. در اینجا به مواضع سازمان فدائیان اکثریت و جمهوری اسلامی ایران اشاره ای داریم. سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت با ارائه "تزهائی پیرامون مسئله ملی در ایران" در "کار" شماره ۲۲۲ نمونه بارز بیگانگی با مسائل ملی در ایران را به معرض نمایش گذاشته است. آنچه که بعنوان "تزهائی پیرامون مسئله ملی در ایران" ارائه گشته، مقولاتی ست به عاریت گرفته شده از گذشته، تجریدی و ناخوانا با شرایط زمان حاضر، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و سیاسی ملل ساکن ایران. در پرداختن به مسئله ملی نمیتوان و نباید بشیوه سابق و بفرم کلاسیک با فرمول "حق تعیین سرنوشت" نسخه صادر کرد. منظور از "حق تعیین سرنوشت" همانا درک لنینی آن یعنی "حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش در برنامه تاریخی و اقتصادی نمیتواند معنای دیگری جز حق تعیین سرنوشت سیاسی، استقلال دولتی و تشکیل دولت ملی داشته باشد." (لنین، در باره حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش) است؟ فدائیان اکثریت نه تنها به بررسی وضعیت کنونی و راههای برون رفت از آن نپرداخته اند، بلکه عملاً با طرح وارونه و مبهم مسئله عملاً به سخنگوی ملت برتر مبدل گشته اند. "زبان معاشرت و مشترک همه ملیتهای ساکن ایران، زبان فارسی است. آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم همه شهروندان غیر فارسی زبان ایرانی، امری اجباری است." (کار شماره ۲۲۲)

اجباری بودن امری، خودبخود ناقض اصول اولیه دموکراسی است. ابزار تحمیل این اجبار کدامند؟ بر چه اساس و بر پایه کدام رفتارند همگانی زبان مشترک همه ملت های ساکن ایران باید فارسی باشد؟ اختصاص حقوق دولتی ویژه برای ملیتی، عین عدم برابری حقوق ملتها بوده و چیزی جز ناسیونالیسم ملت برتر نیست. سازمان فدائیان اکثریت بدون تجزیه و تحلیل مشخص از جامعه ایران مینویسد "سازمان ما میکوشد خواستهای فدرالیسم و عدم تمرکز با سایر خواستهای دموکراتیک جنبش آزادیخواهانه جاری مردم ایران پیوند یابد" (تزهائی کار شماره ۲۲۲) رابطه مسئله ملی ملل ساکن ایران با مبارزه در راه جمهوری دموکراتیک فدرال چیست؟ ملل ساکن ایران به چه نسبت و بر مبنای چه اصولی در حکومت فدرال سهم و نقش دارند؟ مللی مثل آذربایجانیها و ترکمنها که در خارج از چارچوب مرزهای ایران دارای حکومتی ملی هستند، از لحاظ کمی و کیفی چه روابطی با این دول باید داشته باشند؟ مسائل گرهی بالا باید روشن گردند تا قدم اول در فهم وضعیت کنونی جنبش ملی در ایران بدست آید. بدون پرداخت و کنکاش در مسائل فوق و واگذاری حل آن به حوادث آینده مشکل را حل نخواهد کرد. رابطه بین قداست تمامیت ارضی ایران و خواست و اراده ساکنین ملل ایران چیست؟ موضع گیری خصمانه در قبال خواست ملیت های ایران، بخش تفکیک ناپذیری از آگاهی افراد و گروههای روشنفکر ایرانی را تشکیل داده و هیچگاه سعی در درک و فهم آن نشده است. موضع گیری نمایندگان گفتگوی

تمدنها" با جریانات چپ مانند اکثریت و رهبران آنها هیچ تفاوتی با هم ندارند. " موسوی لاری نگرشهای قومی و قبیله ای را از نقاط ضعف یک مجلس دانست و گفت این نگرش موجب میشود که نمایندگان نتوانند به مسائل کلان کشور بپردازند. (پاسخ وزیر کشور به سوالات خبرنگاران داخلی و خارجی ۲۶ دسامبر ۹۹)

چگونه میتوان سخن از گفتگوی تمدنها نمود و منکر کلان بودن تمدنهای خودی در چارچوب مرزهای کشور بود و طرح آنها را نقاط ضعف یک مجلس دانست؟! هر آنگاه که عرصه بر این افراد تنگ میشود، طرح خواستهای ملی را به کشورهای خارج مربوط میکنند تا با استفاده از احساسات توده مردم و بهانه حفظ تمامیت ارضی کشور به گفته ها و احیانا اعمال ضد ملی خود مشروعیت بخشند. " روزنامه اماراتی (الخلیج) که توسط عناصر مصری اداره میشود، در آستانه سفر رئیس رژیم مصر به امارات با انتشار یک مقاله موهن و تحریک آمیز ضمن طرح مجدد ادعاهای همیشگی رسانه های غریبی و صهیونیستی مبنی بر تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به قدرت هسته ای

و طرح این موضوع که اعراب قادر به تقویت نیروهای نظامی خود در مقابل ایران نخواهند بود، توصیه کرد برای کاهش این نگرانیها، ایران بر اساس قومیتها به مناطق متعددی تقسیم شود تا توان و نیروی آن کاهش یابد. همچنین نشریه عربی زبان (الزمان الجدید) چاپ لندن نوشت: طرحهایی مانند تقسیم ایران به مناطق مختلف بر اساس تقسیمات قومی و نژادی، از جذابیت خاصی در منطقه بر خوردار است. (جمهوری اسلامی سوم فوریه ۲۰۰۰)

" ما با گرایشهای تند و افراطی ناسیونالیسم محلی روبرو هستیم که آکنده از بد بینی و نفرت نسبت به غیر خود هستند و توسل به قهر متقابل در برابر تبعیض گرائی حکومت مرکزی را هسته اصلی مبارزه سیاسی خود قرار میدهند. اینها در تکمیل بکارگیری این عامل در مبارزات خود نیز لاجرم با منافع و مطامع دولتهای همسایه و غیر همسایه گره میخورند و حل مشکل را دوچندان میکنند. (بهزاد کریمی مصاحبه با کار، شماره ۲۲۶)

رهبران اکثریت حتی فراتر از آن رفته، تشکیل دولت بر اساس قومیت را فاجعه مینامند.

" تاسیس ملت بر اساس قومیت مصیبت آفرین بوده است. مسئله کرد، جنگ چچن، منازعه ایرلند و فلسطین و غیره از نمونه هاست. " (فرخ نگهدار، کار شماره ۲۲۶)

آیا مسئله کرد، جنگ چچن و منازعه ایرلند و غیره و غیره تنها بخاطر طرح مسئله ملی بوده است؟ نقش ملل سرکوب شده در این مناقشات تا چه حد عمده و تعیین کننده بوده است؟ جنگها و ناآرامیهای مزبور علل بوده اند و یا معلول فرایندهائی که آقای فرخ نگهدار آگاهانه از طرح آن میگریزد؟! فرخ نگهدار نقش سخنگوی ملت برتر را بر عهده گرفته و سعی در تنویره کردن ناسیونالیسم ملت برتر دارد:

" برای تاسیس یک ایران بر اساس حس ملی فدرالی، تولید حد بالاتری از حس جدائی ضروری است. این حد از حس ملی که در میان اقلیتهای قومی ایران تولید شده، هنوز برای تبدیل ایران به کشوری فدرال از نوع قدیمی آن، مثل یوگسلاوی یا روسیه کفایت نمیکند. در ایران حس ملی بر اساس حقوق شهروندی همچنان قویتر از حس ملی بر اساس قومیت است. " (کار، ش ۲۲۶، فرخ نگهدار)

مجمع تشخیص مصلحت نظام همین گفته ها را در قالبی دیگر و با فرهنگ ویژه خود ولی با همان مضمون تکرار میکند.

" بر اساس مصوبات مجمع تشخیص مصلحت، قانون اساسی، اسلام، ولایت فقیه، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، خط و زبان فارسی، به عنوان عوامل ایجاد و تقویت وحدت ملی میان ملیتها شناخته شده است. " (خبرگزاری ج. ا)

تجربه سالیان دراز چه در کشورهای که تا اندازه ای به مسائل ملی پرداخته اند و چه آنانکه آنرا سرکوب نموده اند، نشان میدهد که رشد و شکوفائی همه جانبه

بیاد دو جنگ تحمیلی ترکمن صحرا در گنبد

جنگ و کشتار پدیده‌هایی قابل تحسین نمی‌باشند. اما در روند حوادث و تغییر و تحولات اجتماعی و مبارزه ملتی برای احقاق حقوق خود، آنگاه که جنگی ناخواسته بر تحمیل می‌شود و هستی‌اش در معرض خطر قرار می‌گیرد، با توجه به مجموعه شرایط چاره‌ای جز دفاع به تناسب و توازن نیرو و امکاناتش ندارد.

فرا رسیدن بهار برای مردم ترکمن از جانبی دلپذیر است که دشت و صحرا از کلهای سرخ کلکون شده و طبیعت جانی دوباره می‌گیرد و از جانبی دیگر یادآور تلخی‌های دو جنگی است که در فاصله کمتر از یکسال در بهار جنبش ملی به ملت ما از جانب جمهوری اسلامی تحمیل گردید.

ملت ستمدیده ترکمن که در رژیم شاهنشاهی فرهنگ، آداب، رسوم و زمین‌هایش را به یغما برده بودند، همزمان با مردم سراسر ایران برای دموکراسی و عدالت اجتماعی، برای زبان و فرهنگ خود بپا خاست و درست در زمانی که مسرور از نابودی رژیم شاه زمین‌های خود را بعد از دهه‌ها با عشق و علاقه شروع به کاشتن نموده بود و درست در زمانی که فعالین و عاشقان فرهنگ ملی ترکمن با کنسرتها و نمایشنامه‌ها و بخشی‌ها با دوتار خود به احیاء هنر مردمی خود می‌پرداختند و... و زمانی که ملت ترکمن تولد دوباره خود را جشن می‌گرفت قدرت‌کرایان تازه به حکومت رسیده به همراهی و معیت بازماندگان دشمن ملی ترکمن‌ها از رژیم سابق به این جنبش نویای یورش نمودند.

آنانی که خود با شعارهای آزادی و برابری

قدرت را به دست گرفته بودند، آنقدر تمامیت خواه بودند که جنبش مردمی مستقل از خود را نمی‌توانستند تحمل کنند. بر این اساس، نوابوگان قدرت که تازه ۲۰ روز از حکومتشان می‌گذشت، در ۵ فروردین ۱۳۵۸ جنگی را به ملت ترکمن تحمیل کردند. آنها علیرغم لشکرکشی و تبلیغات گسترده و جنگ روانی از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات، نتوانستند بر این دفاع همه‌جانبه فائق آیند. اما بسیاری از نیروهای پیشرو جنبش ملی و دلاوران ترکمن در این مقاومت به شهادت رسیدند.

بعد از این جنگ جنبش ترکمن گسترش و تعمیق یافت. رهبری ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در ارتباطاتی با مسئولین وقت جمهوری اسلامی تلاش بر طرح خواستها و هماهنگی با حاکمیت مرکزی نمودند ولی آنان با گذشت هر روز عناد و ناسازگاری خود را با این جنبش مردمی بیشتر نشان می‌دادند.

روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۸ بنسبست سالروز بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی میپینگ بزرگی از جانب سازمان چریکهای فداییان خلق ایران، که تا این زمان رهبری کانون و ستاد را عملاً به انحصار خود در آورده بودند، برگزار گردید. با حمله پاسداران و بسیجیان به این راهپیمایی جنگ دوم گنبد آغاز شد. جنگ دوم گنبد را جمهوری اسلامی با تدارکات گسترده و سنگینی آغاز نمود. نتیجه آن پایان دوره فعالیت علنی ستاد و کانون و از دست دادن بسیاری از نیروهای ارزشمند جنبش از جمله توماج، مختوم، واحدی و جرجانی بود.

ای دو جنگ گنبد در تاریخ مبارزات ملت ترکمن ثبت شده و در یادها خواهد ماند.

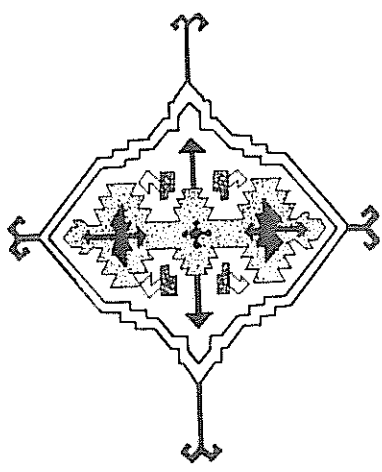
یاد همه شهدای جنبش ملی گرامی و راهشان پر رهرو یاد

اراهت از مسخره ۱۰

انتخابات ...

بر اساس قانون اساسی که استفاده از زبان محلی را در مدارس مجاز می‌داند درخواست کنند که در مدارس ترکمنصحرا به زبان ترکمنی تدریس شود. نمایندگان برای دستیابی به خواست‌های ملت خود می‌توانند با نمایندگان ملیت‌های دیگر همکاری کنند و با حفظ استقلال خود با جناح‌های مختلف در کسب امتیاز بیشتر همکاری کنند.

طاهیر



ortman Z. Abb. 94 erimen

کاشکی همواره دستیابی به دموکراسی مثل هوا آسان بود!

دموکراسی ... حکومت مردم بر مردم ، طرز حکومتی که اختیار مملکت و تعیین هیئت دولت در دست نمایندگان است که مردم انتخاب میکنند. اصطلاح دموکراسی در یونان قدیم پیدا شد و بحکومتی اطلاق میگردد که اکثریت مردم در انتخاب آن مداخله داشته و همگان از مزایای آزادی و عدالت برخوردار باشند.

بیش از صد سال است که ملت‌های ایران برای دموکراسی تلاش میکنند و بسیاری از عزیزان خود را در این راه قربانی داده اند ، اما در دستیابی به دموکراسی واقعی ، موفقیت چشمگیری حاصل نکرده اند . اندیشهٔ دموکراسی از اواخر دوران قاجار پا به ایران باز کرد . صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفردالدین شاه ، فضای مناسبی را در تغییر فرهنگ سیاسی ایران فراهم آورد و فکر آزادی و رشد و پیشرفت و آزادیخواهی و مبارزه با ظلم و ستم در میان مردم و بعضی اقدار سیاسی تعمیم یافت . در این دوره ایران برای اولین بار دارای نظام پارلمانی شد و قانون اساسی وضع گردید . قانونی که در آن دوره تنظیم شد هر چند به هیچ وجه با مفهوم دموکراسی که ما امروزه از آن منظور میکنیم نبوده ، اما همین قانون و مجلس یکی از ابزار های اولیه کسب دموکراسی بوده و میباشد .

در دورهٔ مشروطه دوم (زمان احمد شاه) ، ملت‌های ایران با گفتگمانی آشنا شدند که آنها را در تعیین سرنوشت میهن خویش سهیم می دانست . مفاهیمی چون شهروندی ، قانون ، تعیین اختیارات دولت و ملت میراث این دوره میباشد . متأسفانه در این دوره و در دوره های بعدی ، ابزارهای اولیه دموکراسی ، مجلس و قانون ، وسیله ای شد در دست دولتهای حاکم برای پیشبرد اهداف خود . بطور مثال ، به تاریخ نهم اوت سال ۱۹۱۹ ، دولت حاکم به نخست وزیر و وثوق الدوله قراردادی را بطور پنهانی و بدون مشورت در مجلس شورای ملی ، با کشور انگلیس به امضا رساند . بر اساس این قرارداد ، ایران تحت الحمایه کشور انگلیس قرار میگرفت . وثوق الدوله و دو تن از دستیارانش برای امضا آن قرارداد مبلغ چهارصد هزارتومان رشوه از کشور انگلیس دریافت میکنند . در واقع دولت حاکم ، ایران را میخواست به کشور انگلیس بفروشد . اما دولت حاکم با اعتراضات شدید نمایندگان مجلس شورای ملی روبرو شد . رفته رفته اعتراضات نمایندگان مجلس شورای ملی مبدل به قیام شد .

نه تنها ملی گرایان بلکه علما و جامعه مذهبیون ، دمکراتها ، مشروطه خواهان شناخته شده ، ژاندارمری ، برخی افسران قزاق همگی بر این باور بودند که با قرارداد ۱۹۱۹ ایران تحت الحمایه انگلستان شده است . (۱)

قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان ، یکی از پیامدهای مهم این قرارداد بود . " هدف قیام شیخ محمد خیابانی برقراری یک حکومت نیرومند در آذربایجان در عین حال حفظ پیوند این خطه با کل ایران بوده است ، تا بدین ترتیب به هرج و مرج و بی نظمی در این استان پایان داده شود و طرح های نوینی بویژه در زمینه آموزش و پرورش ، فرهنگ و امور اجرایی در آن خطه به اجرا گذاشته شود . (۲)

او (شیخ محمد خیابانی) بارها تقاضای آشکار خودشان را برای بهره مندی از حکومت قانونی و منظم تکرار کرد . هر گونه ادعای جدایی طلبی را رد کرد و تاکید نمود که آذربایجان جزو لاینفک ایران است . چنین قراردادی نباید بین دو یا سه نفر بسته شود ، بلکه بین ملتها منعقد گردد این جنبش حرکتی کاملاً میهن پرستانه برای اعادهٔ قانون بود و هیچ نشانی از جدایی طلبی یا بلشویسم در آن دیده نمی شود . (۳)

چند جمله از نطق های شیخ محمد خیابانی : " ما چرا قیام کرده ایم ؟ اگر وضعیت مقدم بر قیام را از نظر مطالعه بگذاریم ، حالت اسف انگیز مملکت و اختلاسات بیحد و حصر مایه و اقدامات بی ناموسانه و جانپناه نظمی را در نظر بگیریم ، لزوم فوری قیام را احساس می نمایم جانی ها که از مرکز به آذربایجان فرار می نمایند نباید زمام حکومت ایالت و ولایت دیگر را در دست بگیرند ، زیرا که تمام خاک آذربایجان ایران مقدس و مجموع کل دموکراسی ایران صاحب حقوق است . (۴)

وثوق الدوله متوجه شد که اگر خیابانی و سایر نمایندگان آزادیخواه تبریز به تهران بیایند ، نقش موثری در مجلس شورای ملی بازی خواهند کرد . بدین جهت تصمیم گرفت حزب دمکرات تبریز را منحل و روسای آن را مغلوب کند .

در دو دوره پهلوی نیز مجلس و قانون ابزاری شد در دست دولت حاکم برای پیشبرد اهداف خود . رضاخان برای تضمین قدرت مطلق خود بسیاری از مخالفان خود در مجلس را یا به قتل رساند ، یا به زندان انداخت و یا خانه نشین کرد . مجلس را منحل کرد و مجلس دلخواه خود را تشکیل داد ، هر نو فعالیت سیاسی را ممنوع کرد ، فعالین سیاسی را به حصر و حبس کشاند ، بساط تمامی احزاب را برچید ، و روزی در هیات دولت اظهار داشت : " هر ملتی رژیم دارد و رژیم ما یک نفره است " . (۵) " مردم چیزی نیستند و تنها قدرت خارجی اهمیت دارد . من را زمانی که کسی نمی شناخت به روی کار آوردند و در زمانی که همه مردم از من می ترسیدند و مرا می خواستند همانا بردند . مردم را همیشه ترسانند ، باید آنها از تو بترسند نه اینکه دوست داشته باشند " . (۶)

رضاخان از همان آغاز روزهای حکومت خود در جهت ایجاد نوعی گفتمان مرکزیت و هیمنه طلب (پهلویسم) تلاش کرد . عناصر و نکات اساسی و پردازنده چنین گفتمانی عبارت بودند از شونیسیم (ناسیونالیسم افراطی) ، شبه مدرنیسم و سکولاریسم . رضاخان سعی میکرد با تشکیل سازمان ثبت اسناد نوعی مالکیت را در ایران تثبیت کند که پیوند اقتصادی جدیدتری را سامان بدهد . اما در ادامه همانطور که روزنامه های غرب نوشته بودند به غول بزرگ زمین خوار معروف شده بود و املاک مالکان را می گرفت و در املاک آنان شریک می شد و بعضی موارد را هم به خود آنان واگذار میکرد و یک ملوک الطوائفی کنترل شده تازه ای را برقرار کرده بود . (۷)

رضاخان را بردند پسر را بجای او نشاندند . در این دوره هم مجلس دلخواه شاه تشکیل شد ، دادگاههای مدنی و کیفری ، قوانین مدنی ، نظام آموزش نوین و . . . بوجود آمد . محمدرضاشاه همان برنامه اقتصادی پدرش را پیش برد . در این دوره دستاوردهای علمی و صنعتی غرب در ایران گسترش یافت و ما برای اولین بار در تاریخ ایران شاهد ظهور و رشد طبقه متوسط شدیم ، طبقه ای که حضورش برای رشد دموکراسی هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی ، لازم شمرده میشود . رضاشاه رشد دموکراسی را ، فقط در رشد و توسعه اقتصاد کشور دید و به توسعه سیاسی توجه ای نکرد . " نظام بازاری هرگز بمثابه یک مانع تلقی نمی شد . جنبش های چپ و جنبش های مترقی فکری و جنبش های رادیکال بشدت از سوی او سرکوب میشد و هیچ تمایلی به سمت نزدیک شدن به آن جنبش ها از خود نشان نمی داد . بنابر این عمده ترین چالش ، چالش درونی خود او بود که رشد را وقتی که در چارچوب یک توسعه همگانی نمی دید در نتیجه محدود به حوزه هایی می دید و دلخوش به همین اوضاع بود . (۸)

دلسردی و ناامیدی طبقه متوسط از دولت پهلوی بود که به انتظارات انقلاب دامن زد و این طبقه را به حمایت از خمینی برای سرنگونی شاه واداشت

زمانی که خمینی در فرانسه بسر میبرد در مقابل شاه مواضع سیاسی مترقی تری را اتخاذ کرد و برای خلع سلاح کردن وی بطور جسته و گریخته مفاهیمی جدید را در سخنانش مطرح کرد و خواهان حکومتی غیر دیکتاتوری در ایران شد . اغلب روشنفکران ایرانی حتی در درون جنبش چپ ایران آشنایی کامل به افکار خمینی در زمینه حکومت و اداره امور جامعه نداشتند و چنین فرض کردند که وی مفهومی دمکراتیک از حکومت در ذهن دارد . اما پس از ورود به ایران ، خمینی حتی از استفاده کلمه دموکراسی خودداری کرد . آنچه بعد از ورودش اتفاق افتاد ، خوانندگان بهتر از نگارنده در جریانش هستند .

گر چه ج . ا . از نظر فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران را عقب برده است ، از نظر سیاسی آن را ناخواسته چندین قدم در جهت تاسیس ابزارهای دمکراتیک به پیش برده است . فضای سیاسی ایران ، طی سالهای پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ دستخوش دگرگونی های

فراگیری گردیده است. موضوعاتی چون مشارکت نهادمند، آزادی، توسعه سیاسی، قانونگری افکار عمومی، گفتمان، جامعه مدنی... از جمله مفاهیمی است که وارد ادبیات سیاسی ایران گردید.

از دیر باز یکی از مسایل فکری و ایدئولوژیک، نوع رابطه "عدالت اجتماعی" و "دموکراسی" است. پرسش این است که آیا می توان با وجود توزیع عادلانه ثروت و بطور کلی اختصاص امکانات اجتماعی و مادی برای عامه مردم، دموکراسی هم داشت؟ آیا می توان بین "تولید" و "عدالت اجتماعی" سازگاری ایجاد کرد؟

این نوع پرسش ها از آنجا ناشی میشود که تولید و رشد اقتصادی غالباً با انباشت سرمایه و اختصاص سودهای کلان به "سرمایه دار" همراه است و از آن سو عدالت اجتماعی با توزیع عادلانه منابع ثروت زای جامعه و نیز توزیع عادلانه سود میان ایجاد کنندگان سود یعنی کارگران و زحمتکشان ملازمه دارد. در این میان برخی می پندارند که جمع این دو ممکن نیست. یعنی یا دموکراسی و سرمایه داری و تولید و رشد اقتصادی را داشت و یا عدالت اجتماعی و در نتیجه فقر و عقب ماندگی و توسعه نیافتگی را.

اکنون در مقام تحلیل و نقد و بررسی این نظریه و یا پاسخ هایی که به این پرسش ها داده شده است، نیستیم. فقط میخواهیم به اشاره بگوییم که اگر واقع بین باشیم، تصدیق خواهیم کرد که هم تولید و توسعه اقتصادی با دموکراسی و مردم سالاری ملازمه دارد و هم عدالت اجتماعی بدون حاکمیت واقعی مردمی و بدون مشارکت جدی توده ها ممکن نیست. شکست نهایی شوروی و دیگر اقمار آن در این مورد دلیل این مدعاست.

اگر در طول چند دهه، نظام استبدادی و توتالیتر شوروی و امثال آن توانستند تا حدودی رشد اقتصادی داشته باشند و در نتیجه دوام بیاورند، در دنیای امروز، آن نیز شدنی نیست. گورباچف در کتاب معروف "پرسترویکا" ی خود، راز این شکست را توضیح داده است. او میگوید: اشتباه ما این بود که به انسان اهمیت ندادیم و فکر کردیم میتوانیم سوسیالیسم را بدون دموکراسی تحقق سازیم. اگر کشوری مثل چین هنوز پابرجاست، بی گمان دیر یا زود یا تن به دموکراسی خواهد داد و یا فرو خواهد پاشید.

به هر حال در شرایط کنونی جهان، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی بدون مشارکت واقعی مردمی و بدون دموکراسی اصیل و حاکمیت ملی یا ممکن نیست و یا زود گذر و سطحی خواهد بود.

در چنین شرایط حساسی، به سیاست توسعه اقتصادی تکیه نکرده و در عوض باید اولویت را برای توسعه سیاسی و فرهنگی قرار داد. برای تضمین توسعه اقتصادی باید یک جو مناسب سیاسی بوجود آورد که تمامی ملتهای جامعه بتوانند خواسته های فرهنگی و سیاسی خود را در آن مطرح کنند.

در شرایط کنونی کشور، طراحی برنامه آموزش دو زبان، برای رشد دموکراسی و همچنین برای تحکیم وحدت ملی در جامعه کشور، یک ضرورت می باشد. از زبان به عنوان اساس هر فرهنگی یاد می شود. وقتی بخواهیم از یک فرهنگ شناخت داشته باشیم، اولین عنصری که به ذهن می رسد، زبان مربوط به آن فرهنگ است و زبان چنان با فرهنگ پیوسته که هر دستاورد جدید در زمینه فرهنگ خاص همراه با اضافه شدن آن به زبان است. "زبان شامل گفتار، علایم، نوشتاری، اعداد، نمادها و ایما و اشاره و سایر ارتباطات غیر کلامی است. در نخستین سال زندگی، همه کودکان از همه فرهنگ ها، صداهای مشابهی را می سازند. ولی بتدریج تفاوت ها ظاهر می شود و در نهایت به الگوهای گفتاری بزرگسالان می رسد. یک کودک می تواند نخستین زبان خود را بدون حضور و تلاش زیاد فراگیرد. بنابر این زبان برای انتقال و استفاده از فرهنگ یک عامل ضروری است و نقش آن فراتر از وسیله ای صرفاً برای انتقال معانی است و در برگیرنده مفاهیم و خصوصیات فرهنگی نیز هست." (۹)

طبق نظریه "اپروروف"، زبان کاری فراتر از توصیف صرف واقعیات را انجام می دهد و در واقع، واقعیت یک فرهنگ را شکل میدهد. نقش زبان در تفسیر واقعیات در این نظریه بسیار با اهمیت نشان داده شده است. چنانچه به نظر این افراد، از آن جایی که مردم، جهان را تنها از طریق زبان درک می کنند، زبان فراتر از تفکر است. بنابر این علایم گرامر و کلمات یک زبان، جهان ما را سازمان می دهد. از سوی دیگر زبان را فرهنگ ایجاد میکنند و باعث تفسیرهای متفاوت از واقعیت با تمرکز بر یک پدیده خاص میشود. در

مقابل این نظریه ، عده ای معتقد هستند که زبان الگوی تفکر و رفتار انسانها را تعیین نمی کند و با تعدیل این نظریه میگویند که زبان میتواند بر رفتار و تفسیر واقعیات اجتماعی تاثیر بگذارد . (۱۰)

در بعضی از کشورها که بیشتر از یک فرهنگ و زبان دارند ، ضرورت دارد تا طراحی برنامه های آموزشی در سطوح مختلف ، به تنوع زبانی توجه و اهمیت کافی داده شود . بدلیل اینکه آموزش و پرورش در هر کشوری ، علاوه بر هدف های خاص خود ، هدف دیگری را دنبال میکند و آن شکوفایی همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر است . اعلامیه جهانی حقوق بشر در دیپاچه خود خواستار آن است که ، همه افراد و تمام نهادهای جامعه باید بکوشند که به یاری آموزش و پرورش ، رعایت این حقوق و آزادی ها را گسترش دهند . بنابراین در تعیین اهداف آموزش و پرورش باید به شکوفایی همه جانبه شخصیت انسان و حیثیت و کرامت انسان توجه شود و موجب ارتقای حسن تفاهم ، دگرپذیری و برابری میان گروه های نژادی ، ملی ، قومی ، دینی و زبانی شود . (۱۱)

لذا در کشورهایی که دارای تنوع قومی و زبانی هستند ، باید سیستم آموزشی و درسی در مراکز آموزشی با در نظر گرفتن تنوع های فرهنگی تنظیم شود . کودکان هنگام ورود به فرایند آموزش ، دروس را به زبان مادری فراگیرند و بتدریج با توجه به توانایی ذهنی کودکان ، زبان دیگر را در کنار زبان مادری آموزش داده شود .

بنابراین سیستم دو زبانه عبارت از استفاده از دو یا چند زبان در محل کار یا در استفاده از امکانات آموزشی ، نیز برخورد با هر زبان ها با مشروعیت برابر . (۱۲)

برای مثال در آمریکا که متشکل از فرهنگ های مختلفی است ، در دهه های اخیر ، الگوی پیروی از فرهنگ غالب دگرگون شده و در نتیجه باعث شده است که آداب و رسوم همه خرده فرهنگ های نژادی و قومی به صورت مشروع و با اهمیت در آیند و جامعه به چند زبانی به عنوان یک توانایی و امتیاز نگاه کند . طبق مطالعاتی که برای ارزیابی روش برنامه دو زبانه در ایالات متحده ، بین کودکان ناواهو (آمریکایی - هندی) در آریزونا ، کودکان چینی زبان در نیویورک ، کودکان فرانسوی زبان در لوئیزانا و مینه سوتا و کودکان اسپانیولی زبان در چندین ایالت انجام شده ، همگی نشانگر این بوده اند که یک برنامه صحیح چند زبانی میتواند هم در بهبود یادگیری عمومی و هم در نحوه خواندن و صحبت کردن به انگلیسی ، موثر واقع شود . علاوه طبق یک تحقیق که " کن جی هاگوتا" متخصص زبان شناسی . در سال ۱۹۸۶ در دانشگاه ییل انجام داد ، دلایل دیگری برای مفید بودن تحصیل دو زبانه ارائه شده است . (۱۳)

در کشور ما نیز به دلیل وجود تنوع زبانی و قومی ، ضرورت اصلاح سیستم آموزشی و تطابق آن با ویژگیهای جامعه مدنی خودنمایی میکند . به دنبال سیاست ضد ملی که با روی کار آمدن سلسله پهلوی و با جهت دهی استعمارگران شروع شد ، ضدیت و تلاش برای از بین بردن و تضعیف زبانهای غیر فارسی در کشور آغاز شد . این سیاست که دارای ماهیت شوونیستی بود ، با حمایت های آشکار حکومت و به دست بعضی روشنفکر نمایان ، تا پایان دوره پهلوی فعال بود .

در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز ، اصل پانزدهم که استفاده از زبانهای قومی را در مطبوعات و رسانه ها و تدریس آن را در مدارس در کنار زبان فارسی مجاز می شمارد ، در همین جهت در نظر گرفته شد . اما در عمل این اصل نیز مانند بعضی اصول مهم دیگر به فراموشی سپرده شد . با شروع جریان دوم خرداد و حرکت به سوی جامعه مدنی و دموکراتیک ، اکنون ضرورت هر چه بیشتری برای طرح مجدد و حل این مشکل به نحو احسن ، به جای پاک کردن صورت مساله ، بیش از پیش خودنمایی میکند . اجرای کامل قانون و رفع نابرابری ها ، زمینه همزیستی و احترام متقابل همه اقوام و فرهنگ های ساکن در این مرز و بوم را مستحکمتر میکند . (۱۴)

حال نگاهی بکنیم به منظر جریان های مختلف در رابطه با دموکراسی در جامعه کنونی ایران .

در جامعه فعلی ایران دموکراسی از منظر جریان های مختلف و زاویه دید آنها مفهوم واحدی ندارد و برداشتهای متفاوتی در این مورد وجود دارد . اگر بخواهیم تفکر موجود در جامعه را در این مورد دسته بندی کرده باشیم به چهار نظر مشخص خواهیم رسید :

دموکراسی از دید جناح راست انحصارطلب . این جناح دموکراسی را موضوعی ظاهری بشمار می آورد . در نگاه آنها تنها یک قرائت صحیح از اسلام وجود دارد و وظیفه مردم این است که حمایت و دلبستگی خود را خواه ، ناخواه به این قرائت اعلام دارند . دموکراسی

از این زاویه ، یعنی گفتن حاکمان و شنیدن و پذیرفتن مردم . وظیفه مردم شرکت در مراسم گوناگون و شنیدن سخنرانی ها و نوشته های تکراری و خسته کننده است . مردم وظیفه دارند در راهپیمایی و تظاهرات به منظور حمایت از سیاست های موجود شرکت کنند . مردم هیچ حقی ندارند جز اینکه در انتخابات شرکت کنند و به نامزدهای مقبول جناح رای بدهند . دموکراسی از منظر اینان ، یعنی اگر شصت میلیون انسان نظری داشته باشند و این جناح نظر آنان را قبول نداشته باشد مردم باید نظر خود را اصلاح کنند .

دموکراسی از نگاه چپ . این جناح مدتی است که خود را مدافع آزادی و اصول دموکراسی معرفی میکند و تلاش دارد تا مردم دیدگاه آنان را پذیرا باشند . اما این جناح عمیقاً به دموکراسی اعتقاد ندارد و تا اندازه زیادی تحت تاثیر پدیده دوم خرداد ، مردم گرا و دموکرات شده است . در نگاه این جناح مردم باید از بین جناح های درون حاکمیت ، یکی را انتخاب کنند . اما مردم حق انتخابی فراتر از دو طیف درون حاکمیت ندارند . سازماندهندگان این جناح اولین بار در اصطلاحات خود واژه خودی و غیر خودی را مطرح کردند و دموکراسی را در واقع برای خودی ها و در چارچوب منافع دو طیف موجود در حاکمیت می دانند . در نگاه اینان ، مردم تا آنجا آزادند که طرفدار یکی از طیف های درون حاکمیت باشند .

دموکراسی از نگاه لیبرال دموکراتها . جناح اپوزیسیون موجود که در واقع جزو طیف غیر خودی ها قرار دارند ، در اصل زیاد هم غیر خودی نبوده اند . چرا که هم سابقه شرکت در قدرت را دارند و هم چارچوب های موجود را قبول دارند . اینکه دموکراسی تا چه اندازه در کادر این قواعد و اصول قابل تحقق است ، بحث دیگری می طلبد ، اما مشکل اصلی دیدگاه این طیف نسبت به دموکراسی و آزادی است . آیا این جناح واقعاً خواستار آزادی و دموکراسی است یا نوع خاصی از دموکراسی و آزادی را باور دارد ؟ آنان معتقدند همه از حق مساوی برای داشتن نشریه ، کاندیداتوری و ... برخوردار هستند ، اما هیچ وقت به این سؤال پاسخ نمی دهند که آیا همه مردم از قدرت و امکان مساوی برای داشتن نشریه ، کاندید شدن و استفاده از سایر امکانات اجتماعی برخوردار هستند یا فقط کسانی که پول و سرمایه کافی دارند ، یا از

منافع و دیدگاه های سرمایه داری دفاع میکنند قدرت استفاده از این امکانات را در اختیار دارند ؟

ما در ایران سه جناح و یا طیف بیشتر نداریم . اما اگر دقیق تر نگاه کنیم جریان چهارمی نیز وجود دارد که نمایندگان مشخص و تعیین یافته ای ندارند . این ها جریانی هستند که وجود دارند . اما نمود ندارند . می توان گفت در شرایط فعلی که جامعه ایران دوران تحولی را طی میکند این جناح نمی تواند نمود مشخصی در جامعه داشته باشد . اما با اطمینان می توان گفت که در آینده این طیف رهبران و نمایندگان خود را باز خواهد یافت . یا به عبارتی آنان را معرفی خواهد کرد . این جناح با توجه به اینکه نه در صحنه قدرت و نه در صحنه سیاسی و نه در عرصه مطبوعات از هیچ امکانی برای ظهور و حضور و فعالیت برخوردار نیست ، ما اسم آن طیف را طیف محروم میگذاریم .

مردم ایران که در جریان انتخابات دوم خرداد ، آقای خاتمی را به رئیس جمهوری انتخاب کردند ، هنوز آنچه را که خواسته اند در پرتو دولت منتخب خود نیافته اند . مردم ایران به مشارکت سیاسی در حدودی که مقطعی و چهار سال یک بار در انتخابات مجلس و یا رئیس جمهور شرکت کنند قانع نیستند . آنها می خواهند لحظه به لحظه در امور سیاسی کشور مشارکت داشته باشند . جنبش چپ ایران نیز کارنامه درخشانی در ارتباط با دموکراسی ندارد . پر جلوه ترین ابعاد دموکراتیک چپ ایران تشویق کارگران برای ایجاد شوراهای کارگری است . در این زمینه حزب توده ایران موفقیت هایی بدست آورد . لیکن این موفقیت ها هم محدود بود و هم ناپایدار .

جنبش چپ ما به دموکراسی به عنوان پدیده ای غربی و ناشی از بورژوازی نگاه میکند و کار برد واژه برایش بیشتر جنبه نمایشی دارد تا اعتقاد . گروه های سیاسی مانند فداییان خلق و حزب توده بیشتر طرفدار تمرکزگرایی دموکراتیک هستند تا دموکراسی به مفهوم فردگرایی آن در غرب .

در شرایط فعلی ، متأسفانه بسیاری از دوستان در درون جنبش چپ ، در دنیای گذشته زندگی میکنند . آنها دو دهه است که شب ها را به امید فردائی متفاوت صبح کرده اند و در انتظار معجزه سقوط رژیم در کمین نشسته اند . این سقوط روزی فراخواهد

رسید لیکن نه امروز در دسترس است و نه می تواند از خارج از نظام مهندسی شود .
 وقت آن فرا رسیده است که ما محرومان در زمان حال و برای آینده زندگی کنیم . گذشته گذشته است و باید چراغی برای راه آینده باشد . قهرمانان دیروز ما عزیزند ولی ما امروز به قهرمانان جدیدی نیاز داریم . انتظار بیشتر و طولانی تر برای ظهور تک قهرمانی چون گوراوغلی که به جنگ دشمنان رفته و وجود خیرشان شر استبداد را از صحنه کشور بر کند بیجاست . در شرایط فعلی دموکراسی نیاز به قهرمانان کوچک دارد که همچون سدی استوار در مقابل ناسیونالیست های افراطی که تاریخ و فرهنگ جامعه را به گروگان گرفته اند مقاومت کنند .

مایه شگفتی است که طرفداران دموکراسی در میان ما چنان از خود راضی و خود محور هستند که دموکراسی را با حضور خودشان در قدرت تعریف میکنند ، دوستان ما دنیا را به صورت سیاه و سفید میبینند و معنی ائتلاف را هنوز درک نکرده اند . دموکراسی سیاسی یعنی ائتلاف ، چرا که سیاست هنر سازگار کردن عناصر ناسازگار با یکدیگر است . متأسفانه این عنصر مهم در تاریخ ما کم پیدا و در اغلب موارد غایب است .

گردآورنده : موسی

پانویس :

- ۱- مجله سیاسی - اقتصادی . مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس . نوشته دکتر محمد علی همایون کاتوزیان شماره ۱۳۸-۱۳۷
 - ۲- مجله سیاسی- اقتصادی . مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس . نوشته دکتر محمد علی همایون کاتوزیان شماره ۱۴۰- ۱۳۹
 - ۳- گزارش سرگرداموندز برای ماههای آوریل و مه ۱۹۲۰
 - ۴- تاریخ بیست ساله ایران . جلد اول ص ۴۰ .
 - ۵- بنکرید به کتاب خودکامکی پهلوی . نوشته کاوین همبلی
 - ۶- همانجا
 - ۷- بنکرید به روزنامه اخبار اقتصاد ۳۰ آذر ۷۸ . پهلوی اول و مدیریت آمرانه در اقتصاد . فریرز رئیس دانا
 - ۸- همانجا
 - ۹- Richard T.Schaefer.Mc Grow-hill. sociology.p.68. 1989
 - ۱۰- همانجا ص ۶۹
 - ۱۱- لوین لیا ، پرسش و پاسخ در باره حقوق بشر ، ص ۱۸۳
 - ۱۲- عارف عزیززاده نیاری . طراحی برنامه آموزش دو زبانی یک ضرورت ملی است . روزنامه نشاط .
 - ۱۳- همانجا
- همچنین برای تهیه این مقاله از روزنامه اخبار اقتصادی . ۲۱ شهریور ۷۸ . برای حل محرومیت اقتصادی راهی جز مردم سالاری نیست . نوشته حسین یوسفی اشکوری و همچنین از کتاب جامعه معلمان ایران ، چاپ اگوست ۹۹ . به کجا میرویم ، نوشته مهرانکیز کار نیز ، استفاده شد .

اخبار ترکمنصحرا

تخریب زمین های زراعی ترکمنصحرا

بنا به گزارش مطبوعات محلی در ترکمنصحرا زمین های زراعی رو به نابودی می رود. علت این امر تخریب اراضی از سوی افرادی است که دست به اقدامات نابودی اراضی حاصلخیز در کنار جاده های بین المللی و روستاها و شهر ها می نمایند. روز به روز شاهد احداث ساختمان های مسکونی واحد های غیر مسکونی دامداری و دامپروری و مرغداری هستیم. مسئولین و مقامات محلی دولتی هیچگونه مبارزه ای علیه این افراد نمی کنند و به بیان دیگر با سکوت خود تشویق می کنند که شهرک های قارچ نما در ترکمنصحرا رشد کنند که بیشتر افراد آن را افراد غیر بومی تشکیل می دهند.

کوچ اجباری ترکمن های عراق

بنا به گزارش صدای رادیو همبستگی ملی، رژیم عراق به منظور کوچ اجباری برخی از اهالی در شهر کرکوک به تازگی نام نویسی از خانواده های ساکن این شهر را آغاز کرده است. بنا به گفته این رادیو اینها خانواده های ترکمن هستند که هنوز تعداد آن مشخص نشده است.

مجموعه فرهنگی و هنری در کنار یادمان مختومقلی فراقی شاعر ملی ملت ترکمن

وزیر ارشاد اسلامی آقای مهاجرانی در دیدارش با وزیر فرهنگ جمهوری ترکمنستان که از تهران بخاطر هفته فرهنگی ترکمنستان دیدار کرد، می گوید: قرار است در کنار یادمان مختومقلی فراقی مجموعه فرهنگی و هنری ایجاد شود. وزیر فرهنگ جمهوری اسلامی ایران همچنین از فعالیت بنای یادمان مختومقلی یاد کرده و می گوید که این بنا در ظرف کمتر از یکسال ساخته شد.

تردد ۱۲۰ هزار مسافر داخلی و خارجی در مرز اینچه برون ترکمنصحرا

بنا به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی بیش از ۱۲۰ هزار نفر در ۹ ماه گذشته در مرز اینچه برون تردد داشته اند که از این تعداد بیش از هشتاد هزار نفر مسافر داخلی بوده است. ارزش کالاهای ترانزیت شده بیشتر از ده میلیون دلار بوده است.

شیوع بیماری مسری در میان احشام ترکمنصحرا

شیوع بیماری "تب برفکی"، نوع بیماری مسری، در میان دام های ترکمنصحرا گسترش یافته است. خروج هر نوع دام از منطقه از طرف دولت ممنوع اعلام شده و این امر دامداران ترکمن را دچار خسارات زیادی کرده است. این بیماری که سابقه دیرینه ای در ایران دارد بنا به گزارش مطبوعات محلی میلیاردها تومان به دامداران خسارت وارد کرده است. در زمینه جبران خسارات دامداران ارگان های دولتی هیچگونه کمکی به دامداران ترکمن نمی کنند. تلاش ارگان های محلی و دولتی در ترکمنصحرا هم اکنون در ممنوعیت خروج دام برای مناطق دیگر ایران خلاصه شده و در جهت مبارزه با این بیماری واگیر در میان دام ها کار چندانی انجام نگرفته است. آقای دکتر علیرضا صابری رئیس شبکه دامپزشکی شهرستان کنبه کاووس می گوید: قاچاق حمل احشام به دیگر نقاط ایران، کشور را دچار میلیاردها تومان خسارات خواهد کرد. وی زمان لغو ممنوعیت خروج احشام را نامعلوم اعلام کرده و گفته است که تا زمانیکه این بیماری شیوع دارد و مشکل حل نشود ممنوعیت ادامه خواهد داشت.

آزادی احزاب در ایران

علی موحدی ساوجی اعلام کرد که در ایران ۱۱۱ حزب سیاسی مجوز رسمی برای فعالیت گرفته اند. اخیراً نیز بنا به گفته ساوجی هشت حزب دیگر و پنج گروه صنفی و تخصصی و دو انجمن اقلیت های مذهبی مجوز فعالیت دریافت کردند. در میان احزابی که اعلام موجودیت کردند و مجوز قانونی برای فعالیت دریافت داشتند احزاب ملی متعلق به ملیت های ساکن ایران وجود ندارد. دولت ایران اجازه فعالیت به احزاب ملیت ها نمی دهد و این امر بنا به ادعای دولت بخاطر جلوگیری از تفرقه و یا به خطر افتادن وحدت ملی انجام می گیرد.

وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران موسوی لاری معتقد است که مردم طرفدار "سلیقه های قومی و طایفه ای" نیستند و نگرش های قومی و قبیله ای را از نقاط ضعف يك مجلس می داند و می گوید که این نگرش موجب می شود که نمایندگان نتوانند به خوبی به مسائل کلان کشور بپردازند.

مخالفت روسیه با خط لوله

باکو- جیهان

ایکور ایوانف وزیر خارجه روسیه هدف از طرح احداث خط لوله باکو-جیهان را تنها با هدف زیر فشار قرار دادن روسیه و بیرون راندن روسیه از دریای خزر اعلام کرد. وی می گوید که روسیه در مقابل این سیاست مقاومت خواهد کرد.

مطالعات شناسانی تالاب

"گومیش دغه" به عنوان تالاب

بین المللی

کار مطالعاتی طرح شناسانی تالاب کیش دغه با اعتبار هزینه ای که کشور سوئیس در اختیار ایران قرار داده، از یکسال پیش آغاز شد. بخشی از شمال این تالاب که در حدود پنج هزار هکتار است به عنوان منطقه شکار ممنوع اعلام شده است. اگر این تالاب به عنوان تالاب بین المللی به ثبت برسد، دولت مجبور است برای حفاظت از آن اعتبارات ملی منظور کند. این تالاب در حاشیه شرقی دریای خزر قرار دارد و به علت بالا آمدن آب دریا سطح آن وسیعتر گشته است. آب تالاب از دریا و کانال اترک تغذیه می شود و طول آن ۴۰ کیلومتر و عرض آن با توجه به بالا آمدن آب دریا متغیر است. تالاب کیش دغه چهارمین تالاب ترکمنصحرا خواهد بود که به عنوان تالاب بین المللی به رسمیت شناخته شده است.

خاویار ایران ۲۰ درصد کاهش

یافت

بنا به گفته مدیر عامل شرکت بازرگانی شیلات ایران از اول سال جاری تاکنون بیش از ۸۰ تن خاویار به خارج صادر شده است. از این مقدار خاویار بیش از ۶۲ میلیون مارک درآمد ارزی برای ایران حاصل شده است. خاویار ایران نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد کاهش داشته است ولی درآمد ارزی آن کمتر از سال گذشته نبوده است.

منطقه ترانزیتی بین المللی در

مرز باجگیران

بدنبال افزایش صادرات استان خراسان به آسیای میانه و بخصوص به ترکمنستان جمهوری اسلامی طرحی در مساحت ۱۵۰ هکتار به اجرا در می آورد که شامل مجتمع اداری، تجاری، نمایشگاهی، تفریحی، ورزشی، فرهنگی، بیمارستانی، انبارهای سربویشیده، صنایع تبدیلی، پایانه هوایی و نمایشگاه خدماتی بین المللی خودرو می باشد که با سرمایه گذاری های ایرانیان مقیم اروپا و کشورهای عربی انجام می شود. این منطقه به صورت يك منطقه بانکداری بین المللی در خواهد آمد و تابع قوانین ترانزیت بین المللی خواهد بود.

برپایی مراسم گرامیداشت دده

قورقوت در تبریز

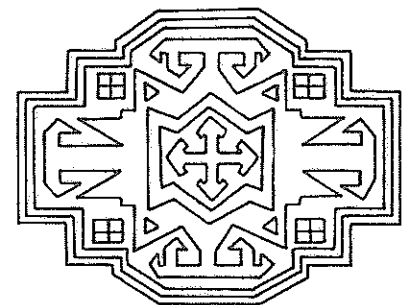
مراسم تجلیل از دده قورقوت شخصیت افسانه ای تاریخ و فرهنگ خلق های ترک زبان در تبریز برگزار شد. این مراسم بر اساس نام گذاری سال ۱۹۹۹ میلادی به نام سال "دده قورقوت" از طرف سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد یونسکو است. کتاب دده قورقوت دارای دو نسخه دست نویس متعلق به قرن هشتم هجری است که یکی از نسخه ها در کشور آلمان و دیگری در در ایتالیا نگاهداری می شود. این کتاب بقیه در صفحه بعد ...

دنباله خبر برپائی مراسم ...

مشور و منظوم بالغ بر دو هزار بیت است. در جمهوری ترکمنستان نیز ماه مه سال گذشته کنفرانسی بناسبت ۱۵۰۰ مین سالکرد داستان های حماسی قورقوت آتا (دده قورقوت) تشکیل شده بود که مجموعه مقالات خواننده شده در کنفرانس بصورت کتابی منتشر شده است.

افزایش صادرات گاز ترکمنستان به ایران

شرکت ملی نفت ترکمنستان "ترکمن نفت" قرارداد جدیدی را با شرکت نفتی ایران امضاء کرد. بر اساس این قرارداد شرکت ملی مهندسی ساختمان نفت ایران جهت نصب تجهیزات و دستگاههای ویژه در معادن کرپچه - کردکوی و همچنین تربیت کادر نیروهای ترکمن اقدام خواهد کرد. هدف از قرارداد جدید افزایش صادرات گاز ترکمنستان به ایران است. جمهوری ترکمنستان قصد دارد برای سال ۲۰۰۰ میلادی در حدود ۵ میلیارد متر مکعب گاز به ایران صادر کند و این رقم را تا سال ۲۰۰۵ به هشت میلیارد برساند.



sarik gol H.

وزیر خارجه آمریکا ایران را به نقض حقوق اقلیت ها متهم کرد

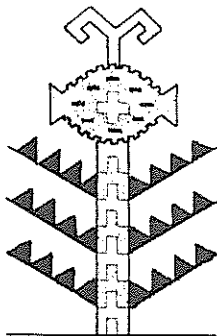
وزیر خارجه آمریکا، مادلین آلبرایت جمهوری اسلامی ایران را به همراه سه کشور دیگر از جمله چین به نقض حقوق اقلیت ها متهم نموده است. اظهارات وی در مطبوعات ایران نیز انعکاس یافته است. مطبوعات ایران سخنان وی را مبنی بر دخالت در امور داخلی ایران قلمداد کردند. آلبرایت می گوید: این کشورها سزاوار تحریم و مجازات بیشتری هستند، ولی از آنجا که نظام های مذکور از پیش در لیست سیاه وزارت خارجه آمریکا قرار دارند و مورد تحریم هستند، تحریم های بیشتری بر آنها اعمال نخواهد شد.

وحدت ملی با حفظ حقوق همه اقوام ایرانی میسر است

آقای دوست محمدیان معاون استانداری گلستان در جلسه شورای اداری گنبد کاوس میگوید: ایجاد وحدت ملی تنها با حفظ همه حقوق، آداب و رسوم خاص اقوام پذیر است. وی میگوید: ملت ایران از اقوام متعددی تشکیل شده که همه ایرانی هستند، همانقدر که ترکمن ها ایرانی هستند فارس، کرد، عرب و آذری نیز ایرانی هستند و هر کس غیر از این فکر کند، خائن به ملت ایران است. در این جلسه مهندس آنه محمد نیازی شهردار جدید گنبد معرفی شد.

افزایش قاچاق مواد مخدر در ترکمنصحرا

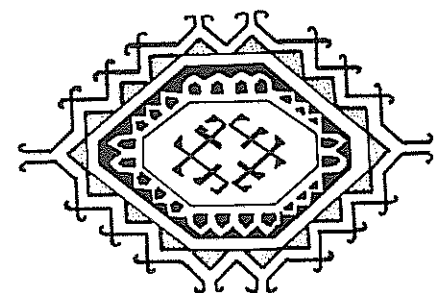
ناحیه انتظامی شمال اعلام کرده است که در طی فقط بیست روز ۱۹۸ کیلوگرم انواع مواد مخدر در استان های گلستان و مازندران کشف کرده است. در این میان ۹۰ نفر دستگیر شده اند. از جمله قاچاق ماهیان خاویاری و خاویار بوده است که به همراه ۸ فروند قایق با کالاهای قاچاق ضبط شده است. اخیراً نیز فرمانده ناحیه انتظامی استان های مازندران و گلستان معروف به ناحیه انتظامی شمال کشور در مصاحبه خود می گوید: طی سه ماه سوم امسال از ۲۰ باند تهیه و توزیع مواد مخدر ۵۸۸۸ کیلو گرم از انواع مواد مخدر کشف شده است. بنا به ادعای این مقام مسئول مواد کشف شده نسبت به سه ماه قبل ۲۰ درصد افزایش داشته است. وی می گوید: طی این مدت ۱۰۹ دستگاه انواع خودرو ضبط و ۱۱ قبضه سلاح جنگی نیز کشف شده است.



kelle 42. 1.-9 kelle

اعتراض تشکل های جبهه دوم
خرداد به رد صلاحیت
نمایندگان خود در استان
گلستان

تعدادی از تشکل های جبهه دوم خرداد استان گلستان طی بیانیه ای اعتراض خود را به رای هیات نظارت در رد صلاحیت تعدادی از کاندیداهای اصلاح طلب این استان اعلام کرده و از مردم دعوت کردند که پرتوان و پر نشاط تر در عرصه انتخابات حضور یابند. در بیانیه یاد شده با تاکید بر این که محکوم کردن افراد بر اساس سلیقه های شخصی، بی اعتبار کردن دستگاه قضائی کشور است. استناد به برخی بندهای قانون اصلاح انتخابات در تعیین صلاحیت کاندیداها مد نظر قرار گرفته آمده است؛ در حالی که قوه قضائیه مقتدر در کشور وجود دارد و علی القانده باید مستقل و عادل باشد، محکوم کردن شهروندان و حکم به مجازات آنان در خارج از دادگاه صالحه و بویژه در خارج از دستگاه قضائی، ستمی بزرگ به شهروندان، خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و از موجبات وهن نظام و کاهش دهنده اعتبار جمهوری اسلامی در جهان است.



yama göl Z. Abb. 458

تبدیل مدارس ترکمنصحرا به
مخروبه های ویران

دانش آموزان ترکمن در شرایط بسیار نامطلوب آموزشی تحصیل می کنند. آنها با تحمل سرمای زمستان و دیگر مشکلات تحصیلی سر کلاس هائی حاضر می شوند که حتی سه نوبته هستند. با وجود اعتراض مردم ترکمن مقامات آموزش و پرورش هیچگونه اقدامی در اینمورد نمی کنند. بنا به بررسی های انجام شده ۱۰۹۸ کلاس مخروبه و غیر استاندارد در استان گلستان وجود دارد که بصورت متراکم و بحران زا فعال هستند که این امر باعث افت تحصیلی شده است. این در حالی است که دولت به اصطلاح افراد خیر را تشویق می کند که در ساختن مساجد همت به خرج دهند. این سیاست در میان ترکمن ها نقش منفی داشته و باعث نارضایتی مردم شده. نماینده امام و امام جمعه گرگان نورمفیدی حتی مجبور به اعتراف این امر می شود و می گوید که ساختن مساجد که در گوشه و کنار هر شهری وجود دارد عمل صالح به حساب نمی آید و بایستی بجای آن مدارس ساخت.

مافیای نفتی در جمهوری
آذربایجان

ریس اداره کل مالیات جمهوری آذربایجان اعلام کرده است که بر اساس اطلاعات وزارت کشور در جمهوری آذربایجان در حدود ۱۲ تصفیه خانه غیرقانونی نفتی فعالیت دارد که باید به فعالیت آنها پایان داد. این اداره به دلیل اینکه این تصفیه خانه ها به ثبت

ایجاد کانال سراسری از
رودخانه آبرود چالوس به
رودخانه اترک در ترکمنصحرا

بالاخره پس از دو سال و اندی تحقیق و بررسی کارشناسان، انتقال آب مازاد مازندران به استان گلستان و برای آبیاری زمین های ترکمنصحرا از طریق کانال کشی سراسری انجام خواهد گرفت. این کانال ۲۰۰ کیلومتر طول خواهد داشت و رودخانه آبرود در چالوس را به رودخانه اترک وصل خواهد کرد. بیش از ۱۰۰ کیلومتر آن در شرایط فعلی از چالوس تا آمل در دست اجراست. بنا به ادعای استاندار استان گلستان در نتیجه این طرح بیش از صد هزار نفر در منطقه از فرصت شغلی ایجاد شده استفاده خواهند کرد. بیش از ۲۸۷ هزار هکتار از اراضی دیسی تبدیل به اراضی آبی خواهد شد.

نرسیده نمی تواند آنها را وادار به پرداخت مالیات بکند. فعالیت غیر قانونی این تصفیه خانه ها بارها در هیات دولت جمهوری آذربایجان مطرح شده است و این اداره در نظر دارد در طرح قانون جدید مالیات ماده ای را اضافه نماید که به این ادرا صلاحیت برابر با نیروهای انتظامی داده شود. بنا به نوشته خبرگزاری غیر دولتی آذرپرس سازمان های رسمی دولتی در زمینه فعالیت غیر قانونی این تصفیه خانه ها اطلاعات لازم را دارند و این امر به آن معناست که اعضای هیات دولت با صاحبان این موسسات ارتباط دارند.

همایش اقوام ایرانی در اصفهان

بنا به گزارش روزنامه همشهری برای اولین بار همایش اقوام ایرانی در سالن اجتماعات دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد. در این همایش یک تا دو روز را برای هر ملتی در نظر گرفته بودند. در گذشته نیز از طرف جمهوری اسلامی جشنواره های موسیقی ملیت های ساکن ایران بر گزار میشد. ولی اینبار علاوه بر اجرای موسیقی، شعر و ابعاد زندگی فرهنگی، اجتماعی و تاریخی تک تک خلق های ساکن ایران معرفی شدند. این حرکت که از شهر اصفهان آغاز شده بنا به گزارشگر همشهری امری است مثبت و "نوعی تکثر و تنوع قومی است و گفتگوی فرهنگ های درون کشور است که باید ادامه یابد."

مذاکرات ایران و روسیه درباره

تقسیم "خزر"

جمهوری اسلامی پس از اختلافاتش با روسیه که در سال ۱۹۹۸ در پی امضای قرارداد قزاقستان و روسیه در تقسیم منابع زیربستری شمال خزر اتفاق افتاد قرار است مذاکرات تازه ای را با روسیه درباره تقسیم دریای خزر انجام دهد. بر اساس ادعای ج.ا. رژیم حقوقی خزر باید در تقسیم روستری و زیربستری دریا انجام گیرد. با این اصل ایران مدعی یک پنجم بخش روستری دریای خزر می شود که با توجه به موقعیت جغرافیایی متعلق به ترکمنستان و جمهوری آذربایجان است.

مسائل اقلیت های ملی ایران سبب ضعف کشور می شود و به "پاره پاره کردن کشور می انجامد و وحدت کشور را به خطر می اندازد و این طرح از طرف دشمنان و استعمارگران طرح می شود."

مسائل اقلیت های ملی ساکن ایران هیچگونه انعکاسی در مطبوعات دوم خردادی ندارد. و اگر گاهی جسته و گریخته در ستون های پنهان طرح شود بیشتر به عنوان مسخ کردن حقوق اقلیت هاست و به عنوان "تحریک احساسات ناسیونالیستی و تحریک روحیات قوم گرانی در بین مردم" یاد می شود. اخبار و گزارشات جسته و گریخته مطبوعات داخل ایران بیشتر در تهمت و افترا زدن به نیروهای ملی است. برای مثال در ماههای قبل از انتخابات مجلس در ایران روزنامه جمهوری اسلامی ایران نمایندگان عرب خوزستان را افراد تحریک کننده احساسات ناسیونالیستی عرب ها نامیده و دم از جامعه مدنی می زند که به آن اعتقادی ندارند.

از تندیس استاد شهریار در

تهران پرده برداری شد

برای اولین بار در تهران تندیس از استاد شهریار شاعر نامدار با شرکت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای مهاجرانی و مقامات جمهوری آذربایجان و با شرکت شاعران و نویسندگان ایران در مقابل تالار وحدت تهران نصب شد.

"استاد شهریار" شاعر ملی خلق آذربایجان است که در سال گذشته در تهران و تبریز نودمین سال تولدش برگزار شد.

تصویب سیاستهای کلی حکومت

ایران در رابطه با ملیت های

ساکن کشور

"مجمع تشخیص مصلحت نظام" طرح سیاست های کلی ایران در مورد ملیت های ساکن ایران را تصویب کرد.

بر اساس این مصوبات قانون اساسی، اسلام، ولایت فقیه، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، خط و زبان فارسی به عنوان عوامل ایجاد و تقویت وحدت ملی میان ملیت ها شناخته شده است. یکایک قوانین تصویب شده که از سوی شئونریست های حاکم و غیر حاکم تبلیغ می شد هم اینک لباس قانونی بر تن کرده است. یکی دیگر از موضوعات مهم در مجمع تشخیص مصلحت نظام مسئله زمینه سازی برای همگرایی فرهنگی ملت ها اعلام شده است. این به معنای اضمحلال و فارسیزه شدن این ملیت هاست. در این جلسه حتی اشاره ای به اصل ۱۵ قانون اساسی نیز نمی کنند که به ملیت های ساکن ایران حق استفاده از زبان مادری و یا به اصطلاح "خودشان" بومی را در کنار زبان فارسی در مدارس ابتدایی می دهد.

هر دو جناح جمهوری اسلامی ایران در امور اقلیت های ملی ساکن ایران نظرات مشترک دارند. اقلیت های ملی ایران را افراد بومی و یا قومی تلقی می کنند و زبان آنها را لهجه ای از زبان فارسی می دانند.

از نقطه نظر جمهوری اسلامی ایران طرح

اخبیار آسیای میانه

انتخابات مجلس در ترکمنستان

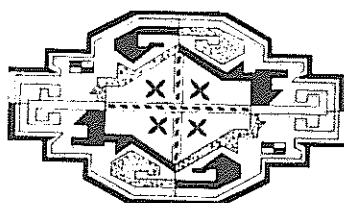
بنا به گفته نیازاف نمایندگان پیشین مجلس ترکمنستان حق انتخاب مجدد نداشتند. پارلمان کشور ۵۰ نماینده دارد و کلیه مصوبات آن بایستی از سوی نیازاف تأیید و امضاء شود. در انتخابات ۱۰۲ نفر کاندید شدند که ۲۴ تن از آنان را زنان تشکیل می دادند. ۹۹ درصد از نامزدها دارای تحصیلات عالی هستند و ۸۵ درصد آنان نیز ۲۱ تا ۵۰ سال سن دارند. انتخابات مذکور از سوی سازمان امنیت و همکاری اروپا به رسمیت شناخته نشده است.

همکاری قضائی جمهوری آذربایجان و ایران

اسناد قراردادهای استرداد و انتقال محکومین به حبس بین جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی در محل وزارت امور خارجه آذربایجان امضا شد. در جمهوری آذربایجان ۱۲۰ نفر زندانی ایرانی نگهداری می شوند که ۹۰ درصد آن ها در ارتباط با جرائم مربوط به مواد مخدر است. همچنین حدود ۲۵ تبعه جمهوری آذربایجان نیز در ایران زندانی هستند.

ازبکستان به خاک قزاقستان تجاوز کرد

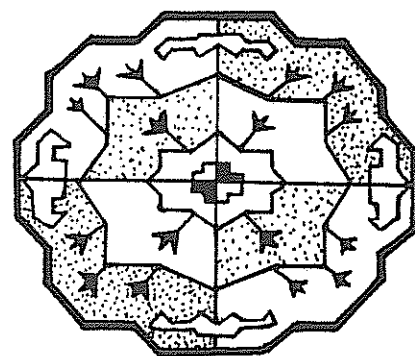
بنا به نوشته روزنامه اکسپرس چاپ قزاقستان نیروهای مسلح ازبک با استفاده از تانک و هواپیمای جنگی نواحی مرزی قزاقستان را مورد حمله قرار دادند. این حمله در روستای باغیش در استان جنوب قزاقستان بوده است. در نتیجه این حمله دهها کیلومتر مربع از زمین های زراعی نابود شده است. اهالی گفته اند پرواز هواپیمای ازبک از فراز روستاها در سطح بسیار پائین صورت گرفته و موجب شکسته شدن شیشه های پنجره ها شده است. منطقه مرزی تیرآغاش که ۲۲ هزار هکتار از زمین های آن در زمان شوروی سابق به آزمایشگاه تانک چرچیف اختصاص یافته بود دولت تاشکند ادعای مالکیت را برای خود محفوظ دانست. ازبکستان و قزاقستان بر سر مالکیت این منطقه با هم اختلاف دارند. و کمیونی متشکل از نهادهای دو کشور مشغول بررسی موارد ابهام هستند.



sürük gül H.

انتخابات ازبکستان تقلبی اعلام شد

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا انتخابات ریاست جمهوری در کشور ازبکستان را تقلبی اعلام کرد. کشورهای غربی و آمریکا ازبکستان را متهم می کنند که به احزاب اجازه فعالیت نمی دهد و از حضور آنان در انتخابات جلوگیری کرده است. اسلام کریم اف که رهبری ازبکستان را از سال ۱۹۹۱ به عهده دارد بیش از نود و یک درصد آرا را به خود اختصاص داد و رقیب وی بنام ژالائف فقط ۴ درصد رای آورده است. جالب است که خود ژالائف نیز در روز انتخابات اعلام کرده است که به کریم اف رای داده و شرکت او صرفاً بخاطر دموکراتیک نشان دادن انتخابات بوده است.



mouri 64. XLIV-1-3 tekke gül

جدائی دین از سیاست

بنا به به دستور نیازاف قرار است از این پس برنامه های دینی تلویزیون ترکمنستان از جانب سازمان دولتی امور دینی وابسته به ریاست جمهوری مورد تأیید قرار گیرد. نیازاف در سخنانی از تلویزیون پخش شد از گفته های یکی از روحانیون ترکمن در تلویزیون که خواستار حضور بیشتر دین در مسائل سیاسی و دولتی شده بود انتقاد کرد. نیازاف در جواب این روحانی گفت که در قدیم از دین برای اداره دولت نیز استفاده می شد، اما حالا ما در دوران معاصر زندگی می کنیم.

در قانون اساسی ترکمنستان هر گونه دخالت دین در امور دولتی منع شده و رژیم این کشور عملاً لائیک محسوب می شود. با اینحال نیازاف بارها در سال گذشته مقام های مذهبی را برای حل مشکلات اجتماعی از جمله فحشاء، مواد مخدر و جنایت فراخوانده است.

نیازاف از سویی با فرهنگ غربی مخالفت ورزیده و در یکی از سخنرانی هایش می گوید: من اجازه نفوذ فرهنگ مبتذل غربی را به تلویزیون ملی این کشور نمی دهم. و ضایش طواهر زنده بویژه در خوانندگان و نوازندگان غربی را برای جامعه زبان بار می دانم و در عوض ما فرهنگ و موسیقی ملی خود را گسترش می دهیم.

وی در این سخنرانی تأکید کرد که در ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی مرحله گذار از

الغیای کریل روسی به الفبای ملی ترکمن که به لاتین است پایان خواهد یافت و مطبوعات نیز از این پس باید به الفبای ملی انتشار یابد.

کنفرانس گرامیداشت "ابوسعید ابولخیر" در عشق آباد

با شرکت محققان ترکمن و ایرانی کنفرانس گرامیداشت ابوسعید ابولخیر عارف و ادیب نامدار قرن چهارم و پنجم قمری با سخنرانی محققان ترکمن و ایرانی تشکیل شد.

در مقالاتی که از سوی چاری کنگ اوف و آنا ساریف استادان زبان های فارسی، ترکی و عربی دانشگاه مختومقلی عشق آباد به عنوان "درخت دوستی" ارائه شد به تأثیری که ابوسعید بر آثار مختومقلی پیراقتی داشته پرداخته شد. در پایان این کنفرانس گروه محققان و دانشمندان ایرانی شرکت کننده در کنفرانس علمی از آرامگاه این عارف نامدار در روستای "مانه" بازدید کردند. روستای مانه (مینه) واقع در ۲۱۶ کیلومتری شرق عشق آباد، منطقه ای حاصل میان سرخس و ایبورد در خاک ترکمنستان است. محققان ایرانی در این بازدید علاوه بر آشنایی با معماری بقعه ابوسعید نیازهای این بنا را برای بازسازی و مرمت مورد بررسی قرار دادند. آرامگاه ابوسعید دارای معماری اسلامی دوره ایلخانی است که بخشی از آن از جمله یک مسجد، بر اثر جنگ ها و پدیده های طبیعی آسیب دیده و یا ویران شده است.

زندانیان ایرانی در ترکمنستان تحویل دولت ایران داده شدند

در پی عفو عمومی در ترکمنستان ۹۰ ایرانی که در زندان های این کشور بسر می بردند، در مرز باجگیران تحویل مقامات مرزبانی جمهوری اسلامی ایران شدند. این زندانیان بنا به گفته سفارت ایران در عشق آباد از دو سال پیش به دلیل ارتکاب جرمی مانند نقض مقررات و قوانین اقامتی و همراه داشتن مواد مخدر در بازداشت بسر می بردند. که بنا به درخواست ایران تحویل ایران داده شدند. در طی دو سال گذشته نیز بیش از ۱۲۰ نفر تحویل مقامات ایرانی داده شدند.

آذربایجان با "ناتو" همکاری می کند

معاون وزیر امور خارجه آذربایجان آراز عظیم اوف اعلام کرد که باکو درصدد گسترش همکاری های خود با سازمان آتلانتیک شمالی ناتو است. وی می گوید که جمهوری آذربایجان در برنامه های تحقیقاتی و برنامه ریزی ناتو مشارکت دارد و این همکاری ها با موفقیت پیش می رود.

جنگ آذربایجان و ارمنستان در عرصه شبکه اینترنت

اخیراً نفوذی های کامپیوتر حملات سختی را به ۲۵ سیات جمهوری آذربایجان انجام دادند.

در یکی از این سایت ها که متعلق به یک مجله پرتیراژ آذری بود در پایان یکی از نفوذی ها پیامی را بر جای گذاشته بود که در آن آمده است که این حمله نفوذی ها از طرف ارمنی ها انجام گرفته و پاسخی است به حملات نفوذی های آذربایجان در ماههای اخیر بوده است.

نیاز کتابی درباره خانواده اش نوشت

اخیراً کتابی از سوی نیازاف در عشق آباد چاپ شده است که راجع به خاطرات خود درباره خانواده و نزدیکانش است.

دو بخش از این کتاب را نیازاف به پدر و مادر خود اختصاص داده است. در این کتاب که از قول ترکمن پرس، خبرنگاری رسمی و دولتی گزارش شده نیازاف بزبان بسیار ساده و عامیانه راجع به دو برادر خود نیازاضرات و مامد منرات نیز گزارش می دهد. کتاب با عکس های رنگی تزئین شده و به زبان های ترکمنی و روسی نوشته شده است.

نماینده دومای روسیه خواستار الحاق مجدد تفلیس و باکو به خاک ایران شد

بنا به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی ایرانا میتروفانف نماینده مردم روسیه در دومای این کشور طی اظهاراتی در دوما خواستار اقدامات مسکو در جهت بازگرداندن جمهوری های گرجستان و آذربایجان به خاک ایران شده است. میتروفانف خطاب به نمایندگان دوما گفته است که گرجستان و آذربایجان زمانی بخشی از قلمرو دولت بزرگ ایران را تشکیل می داده اند و الحاق مجدد آنها به ایران برای برقراری صلح و ثبات در منطقه قفقاز ضروری است.

محکومیت سرکوب آزادی مطبوعات در ترکمنستان

فریموت دوو متصدی ناظر بر آزادی رسانه های جمعی در بین اعضای سازمان امنیت و همکاری اروپا گفت، مجلس قانونگذاری ترکمنستان با اعطای ریاست جمهوری مادام العمر به رئیس جمهور این کشور گامی به عقب برداشته و راه را برای ایجاد رسانه های جمعی مستقل و انتقادگر در این کشور هر چه بیشتر غیرممکن ساخته است. وی همچنین گفت: ترکمنستان تنها کشور منطقه است، که فاقد هر گونه روزنامه مستقل و انتقادگر است. تصمیم مجلس ترکمنستان زمینه ایجاد رسانه ای که بتواند با انتقال اخبار آزاد و مستقل مانع فساد در کشور شود را از میان برده است.

حق سرکوب جنبش های ملی در روسیه با بمب اتم

بر اساس طرح امنیتی جدید روسیه مسکو حق دارد سلاح های هسته ای خود را زمانی که خود و یا متحدانش مورد تجاوز واقع شود بکارگیرد.

در این طرح که توسط ژنرال های روس نوشته شده اولویت دفاع به بلاروس، جمهوریهای سابق شوروی و همکاران روسیه بویژه چین و هند داده شده است. دکترین جدید نظامیان روس در درجه اول علیه غرب پایه گذاری شده است. روسیه قصد دارد در سیاست داخلی خود از سیاست سرنیزه و زور استفاده کرده و جنبش های ملی استقلال طلب عضو فدراسیون روسیه را به زور نگهدارد تا جمهوری های خودمختار که بر اساس قانون اساسی حق جدائی از روسیه را دارند نتوانند از این کشور جدا شوند. ملیت های ساکن روسیه بر اساس دکترین جدید دچار سرنوشت جمهوری چین خواهند شد اگر زمزمه استقلال به گوش کرملین برسد. تحلیل گران و مفسران غربی سیاست امنیتی جدید روس ها را دوری از غرب می دانند و هشدار می دهند که نباید در اروپا بار دیگر یک پرده آهنین جدید بوجود آید.

خروج ارتش روسیه از ترکمنستان

ارتش ملی ترکمنستان با برگزاری یک رژه سنگین اقدام به نمایش اقتدار نظامی و تقویت بنیه نظامی خود در سال های گذشته شد. در این رژه انواع تانک های مدل روسی مدل "تی" موشک های ۲۰۰ ل، توپ های ۱۲۲ و ۱۵۲ میلی متری، جنگنده های سوخو ۲۵ و میگ ۲۹، هلیکوپترهای مدل "می-۸" و نفربرهای مدل پی ام پی-۱ به نمایش درآمد. تسلیحاتی که در میدان استقلال عشق آباد به نمایش گذاشته شد، سهم این کشور از تقسیم ارتش سرخ شوروی در سال ۱۹۹۱ بود. این رژه همزمان با برگزاری اجلاس ریش سفیدان و همچنین خروج آخرین افسران و ژنرال های ارتش روسیه از ترکمنستان است. بنا به گزارش ناظران ترکمنستان در طول سال ۱۹۹۸ ۴۵ بار در مرزهای خود با افغانستان درگیری و برخوردهای مسلحانه داشته است. بنا به گزارش مقام های امنیتی و نظامی این برخوردها با عوامل باندهای قاچاق مواد مخدر بوده است. در طول این مدت حداقل سه بار نیز در مرزهای ازبکستان درگیری هانی بوقوع پیوسته که بر اثر آن تعدادی کشته شده اند. گفته می شود این درگیری ها مربوط به گروههای مخالف دولت تاشکند بوده که درگیری با آنان به داخل خاک ترکمنستان کشیده شده است. نیازاف در جریان رژه خطاب به رسانه های خبری

بین المللی اظهار داشت، امروز رژه نیروهای مسلح ترکمنستان را دیدید که اداره کنندگان تسلیحات آن ترکمن بودند. وی همچنین گفت که روس ها باور نداشتند که ما توانایی اداره نیروی نظامی خود را داریم و ترکمنستان در هشت سال تلاش خود، امروز به سبیل صلح و دوستی و برقراری روابط برادرانه با همسایگان خود تبدیل شده است. ترکمنستان که از سال ۱۹۹۵ در سازمان ملل متحد خود را یک کشور بی طرف اعلام کرده بخاطر عدم واکنش نسبت به فعالیت های طالبان از سوی مسکو مورد انتقاد قرار گرفته است.

تعیین مرز مشترک بین روسیه و قزاقستان

روسیه و قزاقستان به دومین دور مذاکرات خود پیرامون علامت گذاری مرز مشترک، در "آستانه" پایتخت قزاقستان پایان دادند. بنا به اطلاع وزارت امور خارجه قزاقستان طرفین چند سند در این زمینه امضاء کردند. قزاقستان و روسیه ۶ هزار و ۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند که با گذشت هشت سال از استقلال این کشور، هنوز علامت گذاری نکرده اند.

درصد کرسی های نمایندگان مجلس زنان در کشورهای همسایه ایران

در میان کشورهای همسایه ایران زنان حق انتخاب شدن در مجالس قانونگذاری را ندارند. از جمله این کشورهای همسایه می توان از قطر، امارات، عربستان، کویت، بحرین کویت، افغانستان یاد کرد. در کشورهای دیگر همسایه ایران به تعداد انگشت شمار زنان در مجالس شرکت داشته اند: پاکستان ۲ درصد، ترکیه ۲۷۴ درصد، تاجیکستان ۲۱۸ درصد، ایران ۵ درصد، عراق بیش از ۶ درصد، روسیه هفت و نیم درصد، قزاقستان یازده و نیم درصد، جمهوری آذربایجان بیش از ۱۲ درصد و ترکمنستان ۱۸ درصد می باشد.

ممنوعیت فعالیت شیعه ها در افغانستان

طبق اطلاعات واصله طالبان برگزاری هر گونه مراسم ویژه گرامیداشت شهادت حضرت علی را از سوی شیعه ها ممنوع کرده است. طالبان اعلام داشته است که با متخلفین بشدت برخورد خواهد کرد. افغانی های شیعه مذهب مراسم مذهبی خود را در خانه های شخصی خود گرفته اند. بنا به گزارش منابع جمهوری اسلامی بیش از ۵ میلیون شیعه از قوم هزاره در افغانستان ساکن هستند که بسیاری نیز از این کشور مهاجرت کردند.

تیراندازی ماموران انتظامی در کومیش دغه

نزدیک ورودی کمیش دغه معروف به صفاجان ایشان ماموران انتظامی به يك وانت مشکوک شده و آنها تعقیب می کنند و در داخل شهر بدون فرمان ایست میدان شهید فهمیده شروع به تیراندازی می کنند. گلوله به چند نفر از جوانان اصابت می کند. وانت می ایستد. مردمی که در اول صبح جلوی ثانوانی ازدحام کرده بودند پخش و پلا می شوند. عروسی باردار از وحشت سقط جنین می کند. عده ای به کمک زخمی ها می شتابند. سرهنگ زخمی ها را سوار ماشین می کند. کلیه یکی از زخمی ها برداشته می شود و پای مجروح دیگر کچ گیری و... این اقدام مامورین انتظامی ترکمن ها بخصوص صیادان ترکمن را به یاد زمان حکومت پهلوی می اندازد. که در آن زمان شخصی جانی و قاتل به نام سروان حامد تیره ترین روزها را بر سر صیادان ترکمن آورده بود. باتوم هانی که بر سر صیادان می کوبید، خیل صیادانی که با بدن برهنه بر روی علاءالدین داغ نشاند می شدند، شلیک گلوله و ریختن خون پاک بی گناهانی که به بیکرانی خزر می پیوست... این جنایت بعد از گذشت دو ده از انقلاب هنوز بر سر صیادان ترکمن روا می شود. جمهوری اسلامی فقط به فکر درآمد ارزی از خاویار است که بیش از نیمی از خاویار صادراتی خود را از سواحل خزر در ترکمنصحرا

بدست می آورد ولی هیچگونه سرمایه گذاری در این منطقه نمی کند. وقتی پا به کومیش دغه می گذاری از همان نگاه اول، فقر از سر و روی آن می بارد. آدمهای رنگ و رو پریده، خانه های نامنظم و دیوار فرو ریخته، رنگ تیره شهر که بوی تنگدستی از آن به مشام می رسد. در این شهر نه صنعتی وجود دارد و نه مراکز اشتغالزایی. جوانان این شهر می گویند که حتی در ادارات این منطقه هم از افراد بومی استفاده نمی شود و برای کار در ترانزیت لوله گاز که از مرز ترکمنستان شروع و از کومیش دغه می گذرد، عده ای از کارگران از شهرهای فارس نشین به همراه مهندسان غیر بومی به کار گمارده شدند.

پیام کلیتون به نیازف

در پی دیدار فرستاده کلیتون از عشق آباد در ابتدا ترکمنستان موافقت خود را با صدور گاز آذربایجان از طریق خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به اروپا موسوم به "ترانس خزر" اعلام کرد. گفته می شود که جمهوری آذربایجان در صورتی با عبور این خط لوله گاز از خاک کشورش موافقت خواهد کرد که ترکمنستان اجازه صدور گاز این کشور را نیز بپذیرد.

کلیتون در پیامی به نیازف اعلام کرده است که اکسیم بانک آمریکا در این طرح فعالانه سرمایه گذاری خواهد کرد. کلیتون به نیازف می گوید: از اینکه با جریان صادرات گاز آذربایجان از طریق این خط لوله موافقت کردید بسیار خوشحال شدم.

آذربایجان و ترکمنستان پس از استقلال خود بر سر یکی از حوزه های نفتی خزر اختلافات حل نشده ای دارند که در اجرای طرح ترانس خزر مانعی ایجاد نخواهد کرد. نیازف در جمع سفیران و دیپلماتهای خارجی که به مناسبت جشن تولدش جمع شده بودند گفت: اگر خط لوله دریای خزر منافع اقتصادی نداشته باشد عشق آباد قصد ندارد در جهت ضرر به خود اقدام نماید و از همین رو با پیشنهاد صادرات برابر پنجاه پنجاه گاز آذربایجان از طریق این خط موافق نیست. نیازف در دیداری با جان ولف مشاور کاخ سفید در امور نفت و گاز دریای خزر گفت: آمریکا طرح "ترانس خزر" را بیش از حد با سیاست درآمیخته و آذربایجان و گرجستان را نیز تحریک کرده است و پروژه را عقب انداخته. شما تا ۲۰ مارس فرصت دارید تا درباره طرح خط لوله گاز دریای خزر تصمیم بگیرید.

نیازف به مشاور کاخ سفید گفت: ما نمی فهمیم شما چه می خواهید و در حالیکه ما به آمریکا احترام می گذاریم و آماده همکاری هستیم، شما همواره این طرح را عقب می اندازید. نیازف مخالفتش را با طرح احداث خط لوله ای به ظرفیت ۱۶ میلیارد متر مکعب از عمق دریای خزر اعلام کرد و گفت: ما طرفدار احداث خط لوله ای با ظرفیت ۲۰ میلیارد متر مکعب هستیم تا بتوانیم هر چه سریعتر هزینه های این طرح را جبران کنیم. وی صریحاً گفت: ما می توانستیم گاز خود را در سال ۱۹۹۲ از طریق ایران یا پاکستان به ترکیه و بازار جهانی منتقل کنیم اما با دخالت شما موفق به اینکار نشدیم.

Türkmenistanda Yaşulylar maslahaty

Şaňy ýakynlykda Türkmenistanda Yaşulylar Kongresi geçirildi we onda esasy meseleler orta atylyp, kararlar kabul edildi. Ölümlü jezasynyň aradan göterilmegi, ynsan haklaryny yerine yetirmekte ägirt ädimleriň biri bolup durýar we onuň Türkmenistanda praktika çykarmagy, Türkmenistanyň öňde baryjy halklar hataryna goşulmaga gerekli fundamentleriň biri bolup, biziň yaşaýyşa bar ýhlasymyzy görkezýär. Türkmen diliniň ýurtda ýörgünli dil bolmagy, türkmenleriň öz ülkesinde özlärini tazededen tapmaklary we ýañadandan dünýä inmekleridir. Resmi dili bolmadyk halk uzak zamanyň içinde ýitip gider. Türkmenistan öz ýaragly güýçlerini döredip, orus militärine ülkeden çykarmaga ýol açdy. Bu da her bir garaşsyz döwlete zerur zatlaryň biridir. Şu sanalyň geçilen zatlardan iň ähmiýetlisi Türkmenistan özüni tarapsyz döwlet hökmünde Birleşen Milletler Guramasyna

ýkrap etdirmegidir. Şu asyly özi bilen türkmen döwletiniň bolar-bolmaz konfliktden daş bolmagyny we galmagyny getirdi. Türkmenistan döwleti esasan bir yaş döwlet hökmünde geçen näçe ýylyň içinde köpçüleşýän gyncylyklary ýeňip, ylaýta-da kultur-medeniýet pudaklarynda görnükli işler öňe sürüp bildi. Gynansakda bir näçe kemçiliklere göz ýumup bolmaýar. Saparmyrat Niýazowyň mydamylyk prezidentlik ornunda galdyrylmagy türkmen döp-dessuryňa, demokratiýa prinsiplerine jebis gelmeýär. Şunuň özi Türkmenistanda demokratiýanyň jemgiýetde ornaşmadygyna we oňa ayak bitmedigine şaýatlyk edýär. Ýurduň hemme taraplaýyn ösmegi, onda syýasy-ykdysady, jemgiýetçilik guramalarynyň bolmagy we olaryň köpçilik yaşaýşynyň düzgününde aktiv ornaşmagyndadyr. Biz eger hem Türkmenistanda, Europa döwletlerdäki möçberde azatlyk esaslaryna seretsek, ýalňyşyars. Emma bu biziň kemçilikleriň üstüni ýapmagyza sebäp bolmaly däl. Yaşulylaryň Saparmyrat Niýazowy hemişelik

prezidentlige saýlamaklary, öňki systemanyň döwamynyň bir görnüşü ýagny syýasatda monokulturly bolup, pluralizma ýol berilmesizlikdir. Munuň özi Türkmenistanyň halkara döwletler arasynda ýeke galmagyna sebäp bolar. Saparmyrat Niýazow halkyň elektrik, duwz we gazy tölegsiz peýdalanmagyna karar berdi. Türkmenistanyň tebigi baýlyklary kändir. Olardan dogry ulanylsa, umum halk tiz zamanyň içinde bolçulykda we emgeksiz yaşar. Ýurduň düýp strukturasy gurulsa, esasy senagat we ekerançylyk pudaklaryna gerekli kapital dökülüp, olar ykdysadyýetly dolandyrylyp, ösüş ugruna gönükdirilseler, türkmen halky dünýäniň iň baý halklarynyň hatarynda durup biler. Duwz, elektrik we ş.m. zatlary ödegsiz halka hödürlemek, ýurt dolandyryş ykdysady bilen gabat gelmeýär. Dogry ykdysady syýasatlar arkaly halkyň baýgirdeýjisi we yaşaýş derejesi halkara standartlara ýetip biler.

Yaz

Şeýdip ilki agşamdan aýdym bilen başlanan toý daň tilki guýruk bolanda saz bilen gutardy. Ertesi irden bagşylary öýlerine ugratjak bolup durkak, bir ýerden göz agyrysy ýaly obaň belli husyt baýlaryndan Baýly baý geldi. Onuň halkyň sylap beren serpaýlaryna gözi giden bolmaga çemeli. Bagşylara ýoknasyzyny atdy:

Bagşylar bir gije aýdym-saz edeninde şunça malgara düşýän bolsa-ha bizem bagşy bolaymaly ekenik-diýen bolup, loh-loh güldi. Şonda Sary bagşynyň Bally baýa beren jogaby ýadynda. Baý, eger diňlän bolsaň, daşardan aýak ýygnanandan tä daň saz berýänçä aýdym-saz etdik. Sen biziňki ýaly aýdym-saz etme-de, şonça wagty diňe Sary bagşy, Sary bagşy, Sary bagşy... diý-de gaýtalap daňyňy atyr.

Şondan soň biziň şu toýda alan zatlarymyzyň barysy seniňki bolsun-diýenden, utulanyny bilip, Bally baýyň bagşylardan arany açanyňy öz gözüm bilen gördüm-diýip, Balaka aga elindäki dutarda „Hatyja“ diýen sazy çaldy. Ol saz çalyň boldy-da : ýaňky eşiden sazyňyzam Kel bagşynyň döreden sazlarýndandyr. Men haýsy sazyň başyny agyrtsam, Kel bagşynyň döreden sazy diýip oturmamy siz geň görmäň. Sebäbi häzirki halk sazary diýilip çalyňýan heňleriň birnäçesini ussat sazanda Kel bagşy döredendir. Döretmedik sazalaryňnam ençemesine öz goşandyny goşan sazandadyr. Emma ol hiç wagt meniň döreden sazým diýmezdi. Toý-tomaşada eşidilmedik sazyny çalaýsa, onam biri soraysa-da: Aý bu saz „Gyz durdy“, bu saz

„Jerenim“, bu saz „hadyja“ , bu saz „Uçradym“, bu saz „Kepderi“, bu saz „Ak eşekli“ diýip çalyň oturandyr. Kel bagşynyň şelpe kakysy, perde basyşy aýyl-saýyl bolup durandyr. Ýöne näçe gynansagam Kel bagşynyň öz döreden, çalan sazalarynyň hiç birisem özüniň, çalmagynda ýadygärlik galmady. Ol 1923-nji ýylda aramyzdan gitdi. Ýöne Mylly Täçmyradowyň çalyň sazalaryny eşidenimde welin, edil Kel bagşynyň hut özüni diňläp oturana dönyärin-diýip, Balaka aga halypalaryň halypasy Kel bagşy hakyndaky söhbetini soňlady.

Ýusup Berdiyewiň „Halypalar“ kitabyndan

Aşgabat „Türkmenistan“ 1985

Kel bagşy

Kel bagşy, ine şeýle sazanda bolandyr- diýip, Balaka aga elindäki dutarynyň düzümini barlap, saz çaljak ýaly gobsundy-da, saz çalman, ýene söhbetini dowam etdirdi.

Howa, ogullarym, Kel bagşy diýen sazanda pähimli-paýhasly, her bir çalyň sazynyň köstüni goýman çalyň sazandady. Bir günem Kel bagşyny Gülgeldi ussanyň obasyna toýa çagyryrlar. Ol wagtlar Gülgeldi ussanyň dünýeden öten wagtlyry bolmaly. Meniň gürrüni edýän zamanam-da, aýdym-saz häzirki ýaly islän wagtyň radionyň nurbatyny towlanynda, aýdym-saz eşdip bolmaýardy. Şonuň üçin bagşy-sazandanyň sarpasy örän belentdi. Pylan obada ýa-da oýda bagşy aýdym aýtjakmyş diýen ses gulagyna ilen her

bir adam ähli işini taşlardy-da, bagşyly oba ýelk ýasady. Ýogsa Kelejar obasy nire, Söwütli oýy nire. Bizem şol toýa bagşy diňlemäge bardyk. Şolar ýaly aralyga bir gezeg-ä däl, telim ýola-da barlandyr.

Barsak, Kel bagşy eýyäm ak çägäniň üstünde at gaýtarym märekäniň ortasynda ojar odunyň başynda saz çalyp otyr. Her kim bagşa ýakynrakdyr-da diýen ýerinde çökäyidir. Kel bagşam, näme, sazy üwe berip diňleýäniňi aňsa ikerjiňlenmesi bolmaz. Şol çalyp oturandyr. Edil şu günki ýaly ýadymda. Şol toýda Kel bagşy „Kepderi“ diýen sazyny çalyrdy. Sazyň orta gürpüne yetiberende dutar dillenmesini goýdy. Märeke allaniçigsi boldy. Başymyzy galdyrsak, Kel bagşy yerinden turup, märekäniň çeträginde çigit çigitläp erniniň hyllygyny

akdyryp ýatan ýigidiň ýanyna bardy. Onuň egnine elini yetirdi-de - oglum, men saz çalyň wagtym sapançaňy daşrakda at, ýogsa beýnä zeper yetýär- diýdi. Saz diýilýän zadyň şeýle içindedigini şonda bilip galdyk. Kel bagşynyň saz çalyşy barada näçe gürrüň etseň, edip oturmalydyr. Sebäbi ol ömrüniň ahyryna çenli halk bilen dem alan adamdyr. Bir günem Akgoşur obasynda Kelbagşy saz çaljakmyş diýen habary eşitdik. Barsak, Kel bagşynyň ýanynda şägirtlerinden Sary bagşy, Mylly Täçmyrat, Sary bagşynyň uly ogly Pürlem bar eken. Men gürrüniň arasynda Sary bagşyny getirmegiň başga bir sebäbi bar. Şol gije ilki Sary bagşy aýdym aýtdy. Sary bagşynyň belent sesi bardy. Gije ýarymdan agansoňam gezek Kel bagşa yetdi.

indem giç boldy, wagt yok, hemde türkmenistanyň TV-syny belli numra arkaly her ýerden alyp görse bolýar we ol numrany Birleşigiň Stap kwartiryna baryp alsa bolýar”.

Ilgün: Yusup, soraglar myza jogap bereniňiz üçin sag boluň .

Y: Sizem sag boluň, ursgat berseňiz şu ýerde pursatdan peýdalanyp, köpi-sem bosgunlykda Awrupada ýaşayan, we halkara hukuky tarapdan watanсыз saýylýan ildeşlerimi dünýä türkmenleriniň humanitar birleşigine(DTGB) agza bolmaga we mümkin boldugyça türkmenistana sapar edip durmaga çagyryaryn, we baryna 2000-nji ýyly gutlap, olara üstünlikli, we düşümly (bereketli) ýyl bolmagyny arzuw etýärim.

Janwar 2000

Tapmaçalar:

1. 2. 3. 4. 5.

1.					
2.		@			
3.				@	
4.		@			
5.					

Kese:

- 1- Şöhle, ýalpyldy, öwüsme
- 2- Hyrs
- 3- Jaýryk, ýaryk
- 4- Oňurga süňküniň ujudaky süňk
- 5- Uzyn çüňkli, suwly ýerde ýaşayan uly ak guş

Dik:

- 1- Möçber, mukdar
- 3- Iri uly ýaprakly tut agajy
- 4- Eliň aýa süňki
- „M“ goşsaň gap bolar!
- 5- Bellik, alamat, çelgi

* * *

ياشاييشينگ

بیر کۆز یوموپ آچاسی
بیر اوچغون یانیپ اوچه سی
بیر گويز یاپراغی نینگ ،
ساپاغیندان تاییپ یره دوشه سی
و بیر اینجان یوره گینگ،
اورمادان قالماسی ده ک
قیسغالیغنا،
اویلانیاسمی آدمالار!

ایکی باشی کورنوپ دوران
شو یالانچی سارای ،
شو قیسغاجیق سالیم ،
بیر انسانینگ :
کۆونینه دکماکه ،
یوره گینی قیماغا ،
دویغوسینی ،
دمیر پنجه لر بیلن اووماغا
دکیارمیگا ، آدمالار!

هر یاشاییش بیر سیناغ ،
هر اولوم بیر سارغیت ،
هر سایمان ،
بیر عاداتلی محالق دیوانی؛ دیر ،
امما انسانلار اوچین
امما بیلیانلر اوچین

مرحوم دکتر مامی شیر جافاریباینک
یادینا

دانک اتار-فورال ۲۰۰۰

kümetiniň pars dilli bolan darylara (awganystanda), täjiklere (täjikistanda) we başgalara üns berşi ýaly, irandaky türkmenlere-de üns bereni bári kä bir degişikler hasam soňky ýyllarda görnüp başlady. Mysal üçin Mazenderan welaýetinde Gülistan welaýetini döretdiler, türkmeniň milli şahyry bolan Magtymgula üns berip başladylar, ony ylmy tanajak we tanatjak bolup köp çäreler geçirdiler, we 266-njy dogum ýylyny türkmensähraň şäherlerinde, hem-de welaýetiň merkezi bolan gürgen (1316/1937-nji ýyla çenli ady astarabatdy)şäherinde bellediler.,Matymguly bile atasy Döwletmämet Azadynyň mazarlarynyň üstüne dikilen yadigärliگی (gümmezi, diňi)-niň açylyş dabarasyna türkmenistanyň prezidentini ça-

gyrdylar. Yadyňyzdadyr, öňler beýle däldi. Mysal üçin indi Çeňňiz Paliwan ýaly yrkçylyk(rasistik) garaýyşdaky ýazyjylar millet ara duşmançylygyň o-duny älewlendirjek bolýan bolsa, öňler Bastan Parizi ýalylarda Magtymgulynyň atasy “gul söwdegäri” we türkmenleriň gadymy şäheri bolan kümüs-depäň asly ady go-mişan, olam pars sözi bolan gawmişandan glip çykan, we s.m.(şuňa meň-zes toslamalary yazýardylar.

S: Siziň özüňiz awrupadan baran hökmünde, teklibiňiz boldumy?

j: Hawa, men awrupada ýaşayan türkmenleriň meselelerini göz önüne alyp we olaram, olardan önüp-ösüp barýan oganlaram türkmenleriň Ata watany bolan türkmenistan, öz ili bo-

lan türkmen halky, dogan-gardaşlarydyr ilen-çalanlary bilen gatnaşyp durmaklarynyň zerurlygyny düşüniپ wagt beren günleri (konferansyň soňky günü) nazara alan tekliplerimden aýdyp bilenerimi aýtdym. Olardan Birleşikde kultur we sungat seksiyesini (öň komite terminini gullandylar) döredilmegi, Ata watana sapar etmäge yeňillik berilmegi, dünýä türkmenleriniň gazetesi bolan “TÜRKMEN DÜNYÄSY”-nde Ata watandan habarlar we gerekli informatsialary berilip durulmagy.

Tekliplerime Prezidentimiziň orunbasary we ýignagy alyp barýan hormatly Muhammad Aýdogdy şeýle jogap berdi: “kultur we sungat seksiyesini döretmek teklibi dünýn aýdan bolsaňdy,

bellenmändir we türkmenleriň, kürtleriň, we başga milletleriň ýurtlaryna “memalek-e mähruseýe iran” ady berlip olaryň “änjumän-e äýaläti-welaýeti” atly mahsus mejlisleri bolmalydygy ýany fedirativ sistemde dolandyrylmagy(edara edilmeği) nygtalypdyr. Emma iranyň fedirativ we demokratik bolmagyna garşy bolan kolonyalist döwletleriniň esasam orşyet bilen inlistanyň dildüwşikleriniň zyy üzilmedi. Ilki olar 1907-nji ýylda aralarynda paýtagty içine alýan bitarap bölge(zona) goýup demirgazygyny orşyediň, günertesini bolsa inlistanyň kontrol etmegine ylalaşyp bir şertnama gol çekýarlar. Soň orslar Mämedaly şa bile dilleşip 1908-nji ýylyň iýun aýynda mejlisi yapırmaga perman çy-

kardyp paýtagtyň kontrolyny orşyediň ol ýerdäki goşun birligine berdirdiler, we içinde halk wekilleriniň baýkot oturan milli mejlisiň jaýyny top okuna tutduryp, iranyň içinde uruş turuzdylar. Haçanda ynkylapçylaryň ýeñmegi bilen Mämedaly şahy gaçyryp orşyediň üsti bile Türkmenşähräň Hojanepes obasyna getirip paýtagty ynkylapçylaryň elinden aljak boldular. İfilisler bolsa, bolşowikler hökümeti eýeläp garşydaşlaryny yeñip Türkmenistan bile Äzerbaýjandan çykarallaryndan soň, 1920-nji ýylyň başlarynda pars şowonistleriniň wekili bolan Reza pählewini kudeta (puç) bilen Gajar urugyny (dinastiýasyny) syndardyp iranyň şasy etdi. Ol konstitutsyýany ýatyryp pars dilini iranyň yeke täk

resmi dili edip, administrativ(edary) bölünşikde kürtleriň ýurtlaryna kürdistan welaýeti, azäriñkä azärbäýjan, buluçlaryñka buluçystan welaýeti adyny berdi, diñe türkmenleriň ýurdyny mazenderan we horesan welaýetleriniň arasynda böl-di, we mejlise türkmeniň wekilleri saýlanmaz ýaly gerekli çäreleri gördi. Bulardan türkmenleriň ýurdynyň oba hojalyga amatly bölegi bolan türkmenşährany öz priwat mülki edip mejlise tassyk etdirdi. Soňralar bir mukdaryny türkmenlere, we başgalara ýene bir mukdaryny goşuna satyp, galanyňy oğlanlaryna berdi. Pählewi döwriniň türkmen halkyna garşy syýasaty 1979-njy ýyldaky ynkylap soňam dewam etdi. Emma türkmenistan garaşsyz bolup, iran hö-

Aşgabatda çap bolan “DÜNYÄ TÜRKMENLERINIŇ GUMANITAR BIRLEŞIGI, Gysgaça maglumat”atly kitapçada gerekli maglumatlar berlipdir. Kitapça 1993-nji ýylda “Ikinji goýberiliş” diýip gaýtadan çap edilipdir. Onuň 6-nji sahypasynda “Jemgyýetçilik birleşiginiň Ustawyny (düzgünnamasyny) registirmek barada ŞAHADAT-NAMA” tituly(onwany) bilen türkmenistanyň Yustisa ministerliginiň beren şahadatnamasy yerleşdirilipdir. Şol şahadatnamada syzyň bu soragyňyza jogap bolup biljek şeýle bir paragraf bar “Işiniň esasy maksatlary: Dünýädäki arkadaşlarymyza medeni we ykdysady aragatnaşyklary ýola goýmaga kömek bermek, türkmen medeniýetini, folkloryny, taryhyny, ýazuw ýady-

gärliklerini, aýdym-saz sungatyny wagyz etmek we arkadaşlarymyzyň hukuklaryny goramak.” Her halda meniň pikrimçe DTGB-niň döredilmegi, onuň we türkmenistanyň Prezidentiniň arkadaşlaryna edýän atalyk aladasyňyň alamaty. Onuň gadryny bilip ýararlanmaga her bir türkmen hem haklydyr hemde borçly. Onuň üçin mümkinçiliklerden ýararlanmaga ukyp görkezjek bolmalydyrlar.

S: DTGB dünýä türkmenleriniň durumynda (weziýetinde) belli bir täsirler goýup bilipdirmi?

j: Dünýä Türkmenleriniň Gumanitar Birleşigi (DTGB) 1991-nji ýylyň maý aýynda, entek SSSR dagamanka yöne TSSR-nyň ýokary soweti (parlamenti)niň “özbaşdaklyk jarnamasyny” kabul eden-

den 10 aý çemesi geçenden soňra döredilýär. Onuň müdüriýetine we komitetleriniň başyna türkmenistanyň ýokary derejedäki döwlet adamlary saýlanip, olaram prezidentligine türkmenistanyň prezidentini saýlaýarlar. Birleşige bu derejede ähmiýet berilmegniň manasyny, türkmenistany we türkmenleri öwrenip duran, hasam çäginde türkmen ýaşayan döwletler duýandyrlar. Olar ýakyn-da garaşsyzlygyny jar etmeli boljak türkmenistan bilen gatnaşykda bu parametri göz önüne almaly boljaklygy barada oýlanyp çäre arandyrar. Düşnükli bolar ýaly, irany mysal edip, alyp göreýlyň: Bilşiňiz ýaly Iranda 1285 h.ş.(1906 m.)-nji ýyldaky ynkylap (rewolutsyýa)dan soňra kabul edilen konstitutsyýada resmi dil

Dünýä Türkmenleriniň Gumanitar Birleşigi hakda:

Gürrüñdeşlik:

Öten ýylyň(1999) 24-nji we 25-nji dekabry(de-sambyr)ynda Aşgabatda DTGB(Dünýä Türkmenleriniň Gumanitar Birleşigi)-niň 5-nji konferansy bolup geçdi. Biz oňa gatnaşan dostumyz Yusup bilen Gürrüñdeşlik (Interview, mosahebe) üçin bir näçe soragmyza jogap bermegini haýyş etdik:

Sorag: Ilki gürrüñdeşligi gyzyklanyp okajaklara bir-az tanyşlyk berseňiz?

Jogap: Meni türkmençe okap biljek türkmenleriň ählisi bolmasada köpisi tanar öýtýän. Men 1331-(1952)-nji ýylda(lu/balyk ýyly) dogylan, ýokary okuwy 1353(1974)de gurtardym, iki oglum bar, “Türkmen Kultur Ojagy-Bender türkmen” we “Türkmen Kultur Ojagy-

Berlin” atly medeni jemgiýetleriň dübin tutanlaryň biri.

S: Siz Birleşigiň öňki konferanslarynda bolduňyzmy? Şeýle bolsa olaryň aýratynlyklary hakda gysgajyk gürrüň berseňiz?

J: DTGB-niň 2-nji we 3-nji konferanslarynda boldum. 3-nji halkara ylmy konferansdy we “Türkmen halkynyň gelip çykyşynyň, dünýä ýaýraýşynyň we döwletiniň taryhynyň problemeleri boýunça halkara ylmy konferans” diýen onwany bardy. Emma 2-nji we 5-nji konferanslaryň aýratynlyklary garaşsyz türkmenistanyň ösüş basgýçlarynyň önünde goýýan wezipelerinden gaýnaklanýar. Dogurdanam 2-nji konferans zamanynda durulan basgýç (pelle hana) we ol mahalyň talaplary

bile 3-nji konferans zamanyndakylaryň aralaryndaky tapawutlary kim inkär edip biler? Goýuň muny bir mysal bile açyklaýyn: Kerweniň başyny çekip barýan hormatly prezident jynap Sapamyrat Türkmenbaşy 2-nji konferansdaky (oktyabry1992) çykyşynda “häzir garaşsyzlygyň 20 prosentini aldyk” diýipdi. Ondan 7 ýyl geçenden soňra 5-nji konferansdaky (dekabry 1999) çykyşynda bolsa 70 prosentini aldyk diýdi. Muny doly aňýanlar, elbetde edilen işleriň we çekilen zähmetiň möçberine (biçimine)-de göz ýetirip biler öýtýän.

S: DTGB esasan haýsy meseleler bilen gyzyklanýar, we nähili maksatlary bar?

J: Dünýä Türkmenleriniň Gumanitar Birleşigi (DTGB) hakda 1992-nji ýylda

Bu sanda:

* Dünýä Türkmenleriniň Gumanitar Birleşigi (DTGB) hakda ildeşimiz
Ýusup bilen Gürrüñdeşlik

* Kel bagşy

* Ýaşulylar maslahaty

We ýene:

* Merhum Dr. Mämişir Jafarbaýa bagyşlanan goşgy

* Tapmaçalar

8-nji Mart hemme aýal-gyzlara gutly bolsun!

Täze ýylyňyz şowly bolsun!

21-nji azär, Azerbaýjan jemhuriýet gününü, azerbaýjanly
doganlarymyza gutlaýarys!

Jahnlyk ynsan haklarynyň gününü milli isleglerimiz bilen
uýgunlaşdyraýlyň!

برای دریافت ایل گون با ما تماس بگیرید

آدرس ایل گون:

IL GÜN

Postfach 30 12 03

50782 Köln

Germany

ایل گون در اینترنت:

<http://www.geocities.com/SoHo/Gallery/3677>

پست الکترونیکی:

E-Mail: ilguen@geocities.com

شماره حساب بانکی:

Stadtsparkasse Köln

Konto No. 2083236

Bankleitzahl 37050198

- برای آبونه شدن ایل گون به آدرس ما نامه بنویسید .
- بهای اشتراک سالیانه ۲۰ مارک آلمان فدرال و یا معادل آن است .
- مبلغ اشتراک سالانه را به حساب بانکی واریز نمایید .